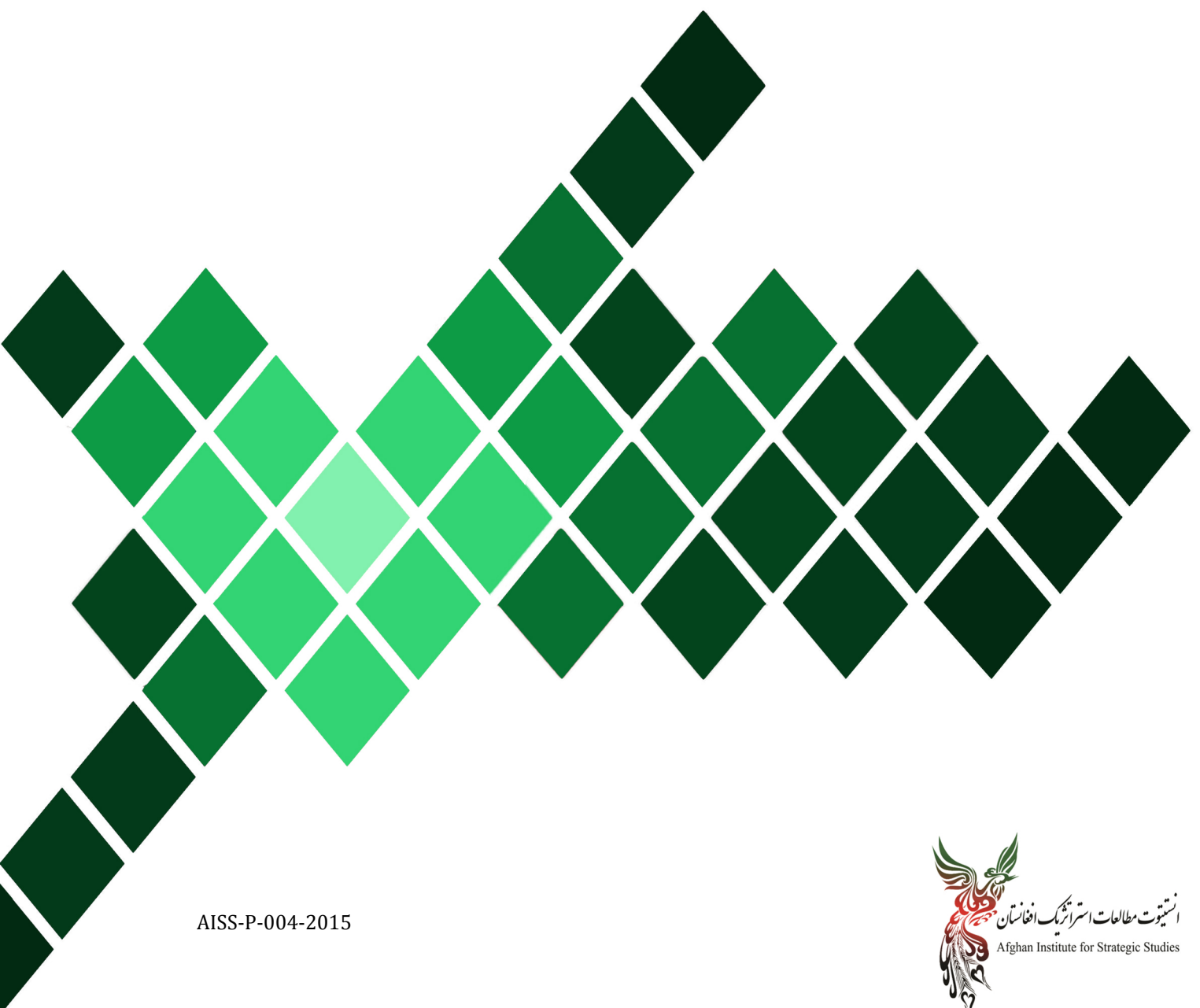


# جریان افراط گرایی در مدارس دینی غیر رسمی افغانستان

گزارش کاربردی

کابل - سنبله ۱۳۹۴ خورشیدی





---

## جریان افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی افغانستان

نویسندگان: عبدالاحد محمدی، مصعب عمر و محمد محق

ویراستار: غلامرضا ابراهیمی

سنبله 1394 خورشیدی

آدرس: کارته پروان، قلعه نه برجه، کابل، افغانستان

[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

## جریان افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی افغانستان

نویسندگان: عبدالاحد محمدی، مصعب عمر و محمد محق

مشاور: عبدالکبیر صالحی

مرورکنندگان:

1. پروفیسور شهربانو تاج‌بخش: مشاور ارشد علمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مدیر برنامه امنیت بشری در ماستری امورات عامه انستیتوت مطالعات سیاسی ساینس‌پو در پاریس و محقق در انستیتوت تحقیق صلح اُسلو (PRIO)
2. داکتر احمیت سیت ییلا: پروفیسور و رییس دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشکده هنر و علوم و متخصص تروریزم و افراط‌گرایی در دانشگاه هران ترکیه.
3. رابرت زمان: محقق ارشد در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و دانشجوی دوره دکترا در دانشگاه کینت انگلستان، بخش بروکسل، بلجیم.

پرسشگران ساحوی:

- |                    |                      |
|--------------------|----------------------|
| * بشیر احمد عثمانی | * عبدالبصیر محب      |
| * سمیرا رحمتی      | * فرزانه احمدی       |
| * حبیب‌الله آزاد   | * دلخواه فیاضی       |
| * حسن جعفری        | * مولوی عبدالله جامی |
| * عبدالباقی بارز   | * خالد یوسف‌زی       |
| * فرهاد صافی       | * نذیر احمد نظری     |
| * آغاشیرین شکوهمند | * نییله صیفی         |
|                    | * فضل احمد انیس      |



## فهرست مطالب

- 1..... سپاس‌گزاری
- 2..... اختصارات
- 3..... فهرست معانی
- 5..... خلاصهٔ تحقیق
- 7..... یافته‌های کلیدی
- 7..... میزان مدارای ایدئولوژیکی و قرائت‌های دینی پاسخ‌دهندگان
- 8..... ارتباطات مالی و غیرمالی خارجی
- 9..... پیشنهادات
- 11..... مقدمه
- 13..... روش تحقیق
- 14..... یافته‌های تحقیق
- 14..... الف) فرقه‌های مذهبی پاسخگویان
- 16..... ب) بردباری و احترام نسبت به پیروان فرقه‌های مختلف اسلامی و غیرمسلمانان
- 18..... پ) حس احترام به عقاید سایر ادیان
- 19..... ت) سهم‌گیری عقاید دینی مختلف در جامعه
- 21..... ث) توجه دینی خشونت علیه غیرمسلمانان
- 22..... ج) نظریات در مورد دولت و حکومت‌داری
- 24..... چ) دیدگاه‌های حامی مفهوم پیمان صلح با غیرمسلمانان

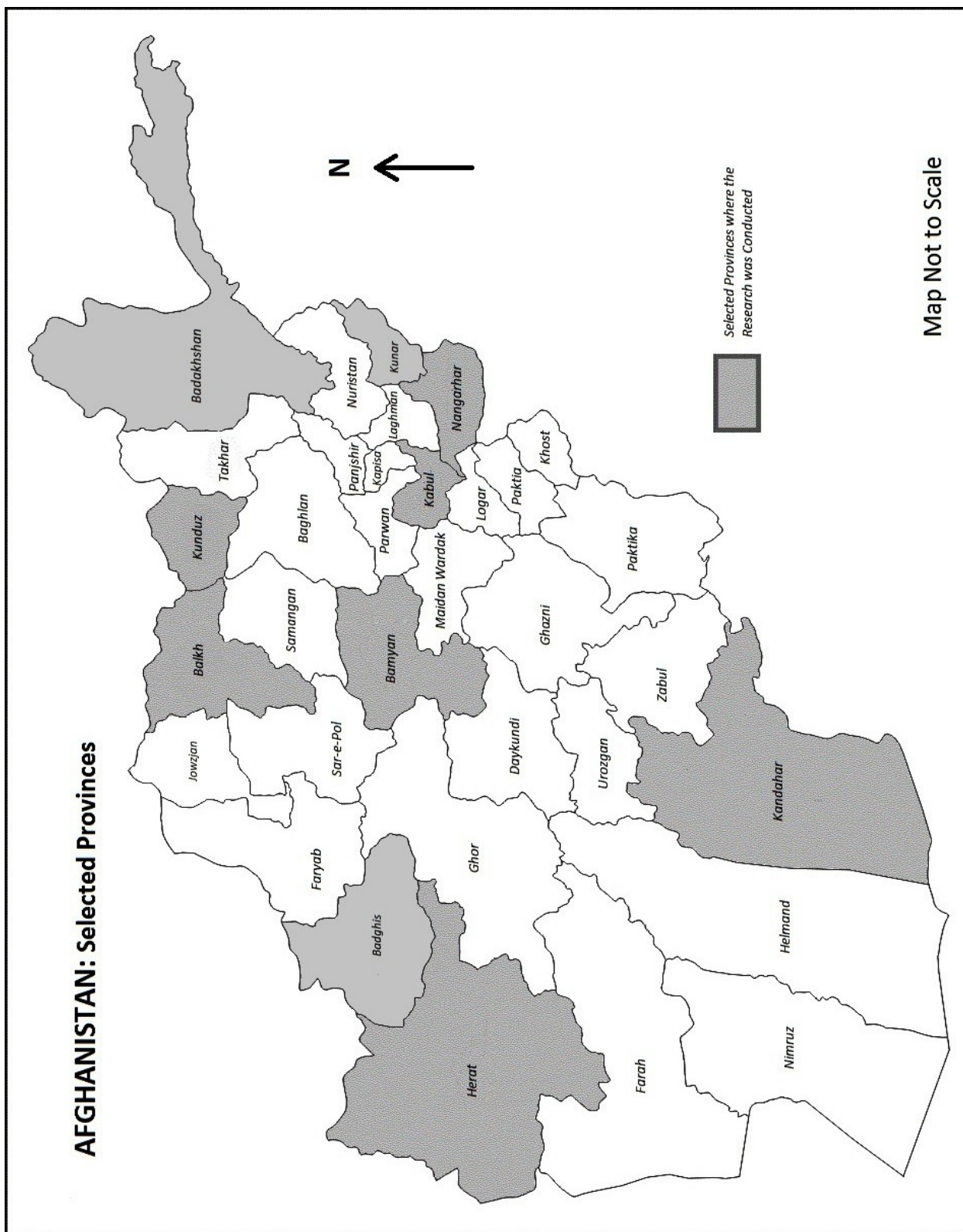
- 26.....(ح) پشتیبانی از خشونت و اعمال خشونت‌آمیز علیه دولت
- 27.....(خ) توجیه ناچیز ایدئولوژی طالبان و مقاومت در افغانستان
- 28.....(د) نظریات در مورد جامعه و معیارهای اجتماعی
- 29.....(ذ) تحلیل ارزش‌های دموکراتیک در مقابل ارزش‌های اسلامی
- 32.....منابع تمویل‌کننده مدارس دینی و نحوه ارتباطات بیرونی
- 32.....(الف) ارتباطات مالی خارجی
- 35.....(ب) روابط غیرمالی خارجی
- 39.....(ت) پشتیبانی توسط دولت‌های دیگر
- 39.....(ث) نفوذ حامیان
- 39.....(ج) شبکه‌های ارتباطی با فارغ‌التحصیلان مدارس
- 40.....(چ) پذیرش پول مواد مخدر به عنوان کمک
- 40.....(ح) جنبه‌های اساسی برنامه درسی
- 44.....نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
- 47.....فهرست منابع
- 49.....ضمایم
- 49.....ضمیمه 1: روش تحقیق گسترش‌یافته
- 50.....ضمیمه 2 پرسشنامه
- 58.....ضمیمه 3: معرفی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)
- 59.....در مورد مؤلفین

## فهرست اشکال

- شکل 1: کدام فرقه دینی نماینده اسلام حقیقی می‌باشد؟..... 15
- شکل 2: بیشتر مذاهب اسلامی نقش مثبتی در تبیین و رشد اسلام دارند..... 17
- شکل 3: به پیروان دیگر ادیان باید به طور مساوی احترام گذاشته شود..... 19
- شکل 4: اکثریت ادیان دیگر کمک مثبت به جامعه می‌نمایند..... 20
- شکل 5: توجیه دینی خشونت علیه غیرمسلمانانی که در جنگ با مسلمانان نیستند..... 21
- شکل 6: آیا دولت افغانستان یک رژیم مشروع دینی می‌باشد؟..... 23
- شکل 7: آیا مسلمانان اجازه تصویب نمودن پیمان صلح با غیرمسلمان را دارند؟..... 25
- شکل 8: حملات انتحاری در تمام شرایط در اسلام نامشروع می‌باشد..... 27
- شکل 9: مقاومت طالبان علیه دولت افغانستان..... 27
- شکل 10: هر شخص به اساس قانون باید دارای حقوق مساوی باشد، بدون در نظر داشت جنسیت..... 29
- شکل 11: دموکراسی ارزش‌های اسلامی را به چالش می‌کشد..... 31
- شکل 12: مجموع منابع کمک‌هایی که برای ساختن مدارس دینی افغانستان به کار برده شده است..... 34
- شکل 13: مجموع منابع مالی که برای مصارف روزمره مدارس می‌باشد..... 34
- شکل 14: میزان ارتباطات بین مدارس افغانستان و نهادهای آموزشی و دینی خارجی..... 35
- شکل 15: تبادل بازدید توسط شاگردان به مدارس در داخل و خارج از افغانستان..... 36
- شکل 16: منابع تمویل‌کننده مدارس که مورد پسند مقامات مدارس می‌باشد..... 38
- شکل 17: وابستگی به سیاست‌مداران، تاجران و رهبران دینی..... 39
- شکل 18: ارتباطات با فارغین مدارس..... 40
- شکل 19: سروی کتاب‌هایی که در این مدارس استفاده می‌شود..... 41









## سپاس‌گزاری

مؤلفین این تحقیق از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای حمایت‌های تدارکاتی‌شان و از بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی (NED) به خاطر کمک‌های مالی سخاوت‌مندانه‌شان در این پروژه سپاس‌گزاری می‌نمایند.

همچنین از پروفیسور شهربانو تاج‌بخش (مشاور ارشد علمی پروژه)، دکتر صبیحه حسین، دکتر احمت سیت بیلا و رابرت زمان (مرورکنندگان گزارش) به خاطر نظریات سازنده‌شان سپاس‌گزاری می‌نماییم. علاوه بر این از تمام پرسشگران ساحوی خود: خانم‌ها هر یک: فرزانه احمدی، سمیرا رحمتی، دلخواه فیاضی و نبیله صیفی و آقایان هر یک: عبدالصیر محب، بشیراحمد عثمانی، حبیب‌الله آزاد، مولوی عبدالله جامی، حسن جعفری، خالد یوسف‌زی، عبدالباقی بارز، نذیر احمد، فرهاد صافی، آغاشیرین شکوهمند و فضل‌احمد انیس تشکر می‌کنیم.

همچنین از ویراستار این گزارش آقای «بنجامین الوی» و همکاران‌مان در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان هر یک محب‌الله فقیری، حسین‌علی کریمی و آقای غلامرضا ابراهیمی که در بخش هماهنگی با پرسشگران ساحوی ما را یاری نموده‌اند، قدردانی می‌کنیم.

در نهایت از همکاری و راهنمایی‌های «کانون علمی و تحقیقات اسلامی افغانستان» با پرسشگران ساحوی ما جهت معرفی آنها به مدارس تحت پوشش تحقیق و جمع‌آوری معلومات در ولایات، سپاس‌گزاریم.

## اختصارات

کانون عملی و تحقیقات اسلامی افغانستان	AAIRC
انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان	AISS
نیروهای امنیتی افغانستان	ANSF
دولت افغانستان	Go A
حزب اسلامی افغانستان	HIA
نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت / آیساف	ISAF
وزارت معارف	Mo E
وزارت امور خارجه	Mo FA
وزارت تحصیلات عالی	Mo HE
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی / ناتو	NATO
ریاست امنیت ملی	NDS
بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی	NED

## فهرست معانی

**اهل سنت:** سنت از لغت عربی «سنه» گرفته شده و به گفتار و کردار حضرت محمد (ص) طوری که در احادیث ذکر شده باشد، صدق می‌کند. کسانی که از روش زندگی حضرت محمد (ص) پیروی می‌کنند، اهل سنت خطاب می‌شوند.

**دعوت:** هدف دعوت در عرصه اسلامی عبارت از دعوت نمودن مردم (مسلمان و غیرمسلمان) برای آموختن پیام خداوند طوری که در قرآن ذکر شده، آموزه‌های حضرت محمد (ص) و باخبرساختن آنها از اسلام می‌باشد. **فقه:** به طور کلی، فقه دانشی است که توسط آن احکام شرعی از طریق قرآن، سنت، اجماع و عقل به دست می‌آید. **حدیث:** گفتار، کردار، تقریر و صفتی است که به حضرت محمد (ص) نسبت داده شود.

**حجاب:** به معنی پوشش و حائل بین دو چیز است. از نظر شرعی، پوشش بدن طبق محدوده شرعی برای زنان، نقاب یا چادری است که زنان مسلمان برای پوشاندن خود به کار می‌برند.

**امام:** به شخصی گفته می‌شود که پیشوا و پیش‌نماز مسجد است و همچنین عالم و راهنمای دین به شمار می‌آید. **جهاد:** در لغت به معنای «کوشش» می‌باشد که عموماً «مبارزه یا جنگ مقدس» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، جهاد، مبارزه در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های خود در مقابل کافران است. **جزیه:** مالیاتی که دولت اسلامی از اهل کتاب در قبال اقامت آنان در قلمرو اسلامی و محافظت از تعرض دیگران به آنان، بر اساس قرارداد خاص دریافت می‌کند.

**خطیب:** به کسی گفته می‌شود که در نمازهای جماعت و مراسم دینی سخنرانی می‌کند. **مدرسه:** به مراکز آموزش تعلیمات دینی گفته می‌شود.

**قرآن:** کتاب مقدس مسلمانان است که به زبان عربی بوده و شامل 114 سوره می‌باشد.

**مکتب:** به مراکز غیررسمی کوچک دینی گفته می‌شود که محل آموزش ابتدایی احکام و اصول دینی است.

**شریعت:** به احکام، دستورات، عبادات و اخلاقیات دین اسلام اطلاق می‌شود.

**شیعه:** یکی از دو فرقه اصلی دین اسلام است. پیروان این فرقه حضرت علی و فرزندان او را به عنوان جانشینان حضرت محمد (ص) در جامعه اسلامی می‌پندارند.



## خلاصه تحقیق

هدف از این مطالعه، بررسی میزان افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی در ده ولایت افغانستان بوده و تمرکز اصلی آن بر ارزیابی نقش چنین مدرسی در انتشار ایدئولوژی‌های افراطی در کشور می‌باشد. در این پژوهش، افراط‌گرایی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها اطلاق گردیده که قدرت سازگاری افراد با ارزش‌های سکولار را محدود می‌سازد. و یا از دیدگاه دیگر، این مطالعه، افراط‌گرایی را به عنوان یک ناتوانی در تحمل ایدئولوژی‌های مخالف در محیط‌های مختلف عملی و نظری تعریف می‌کند. افراط‌گرایی در این مطالعه سه عنصر عمده مدارس را تحت بررسی قرار داده است. این عناصر عبارت از: مدرسین، طلاب و برنامه‌ها و متون درسی می‌باشد.

جمع‌بندی یافته‌های کلیدی نیز ماحول همین سه بخش تمرکز یافته است. نخستین یافته مربوط به وضعیت برنامه‌های آموزشی می‌باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، کیفیت پایین برنامه‌های مدارس مورد مطالعه در افغانستان باعث می‌شود که طلاب این مدارس به خاطر نبود نهادهای تحصیلات عالی باکیفیت، به فکر ادامه تحصیل در خارج از کشور شوند. یافته دوم هم مربوط به کم‌توجهی نهادهای مرتبط دولتی افغانستان مانند وزارت معارف و وزارت حج و اوقاف می‌باشد. کم‌توجهی این نهادها باعث می‌شود این مدارس دچار مشکلات مالی شده و در نتیجه، دست به دامن منابع مالی سازمان‌های برون‌مرزی شوند. در نهایت، تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که اکثریت مدرسان و طلاب این مدارس، تا هنوز هم نسبت به فرقه‌ها و پیروان ادیان دیگر نظر نسبتاً میانه‌رو دارند. پس در یک تحلیل کلی می‌توان نتیجه گرفت که نظریات مثبت در میان اساتید و دانشجویان از یک طرف می‌تواند فرصت خوبی برای طرح و عملی‌ساختن برنامه مبارزه با افراط‌گرایی در کشور باشد و از طرف دیگر، برنامه فعلی مبارزه با افراط‌گرایی را برای رسیدن به یک فرجام نیک و ثمربخش، هدایت و یاری کند.

سنجش میزان افراط‌گرایی بر اساس هر شاخص متفاوت به نظر می‌رسد، ولی جمع‌بندی عمومی یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده سطح معینی از ایدئولوژی تندروانه در میان مدارس است. ازهم‌پاشیدگی اجتماعی و سیاسی، نگرانی‌های امنیتی و عدم تمایل مخاطبان از یک طرف، تحقیق جامع درباره مدارس دینی غیررسمی افغانستان را دچار مشکل ساخته؛ و از طرف دیگر، سوءاستفاده ایدئولوژیکی و سیاسی از مدارس را آسان‌تر می‌سازد. علاوه بر مسایل مطرح‌شده، گسترش بی‌رویه و سریع مدارس دینی غیررسمی در

افغانستان، این نگرانی را برای دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی به وجود می‌آورد که ممکن است آنها محلی برای ترویج و رشد ایدئولوژی‌های تندروانه مذهبی شده و منبع به وجود آمدن یک نسل جوان افراطی در افغانستان شود. بنابراین، یکی از ادعاهای این تحقیق بر این امر استوار است که وضاحت در کم و کیف مدارس دینی کشور می‌تواند نقش عمده‌ای در برنامه‌ریزی‌های مؤثر مبارزه با افراط‌گرایی ایفا کند.

این تحقیق، دومین مطالعه از سلسله تحقیقات انجام‌شده توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) در مورد جریان‌های رادیکالیزم دینی در کشور می‌باشد. سلسله مطالعات بعدی انستیتوت در این زمینه، به بررسی گرایش افراط‌گرایی در میان نیروهای امنیتی افغانستان، رسانه‌های اجتماعی نوین و همچنین احزاب سیاسی افغانستان تمرکز خواهد داشت. آغاز این سری مطالعات توسط انستیتوت، به اواخر سال 2013 میلادی برمی‌گردد.



## یافته‌های کلیدی

### میزان مدارای ایدئولوژیکی و قرائت‌های دینی پاسخ‌دهندگان

1. اکثریت نسبی اساتید و طلاب (40 درصد) بر این باورند که فرقه حنفی، منعکس‌کننده اسلامی واقعی می‌باشد. در حالی که حدود 16 درصد، چنین برجستگی را به شاخه دیوبندی این فرقه می‌زنند. از طرف دیگر، بیشتر از 10 درصد پاسخگویان دیدگاه جامع‌تری داشته و معتقدند که چهار فرقه عمده اهل تسنن و فرقه شیعه جعفری، اصول اسلام واقعی را در خود دارند.
2. بیش از 85 درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند که اکثریت مکاتب اسلامی نقش مثبتی در تبیین و رشد اسلام دارند. در حالی که فقط 7,5 درصد از پاسخ‌دهندگان چنین دیدگاهی را کاملاً رد می‌کنند. با این حال، در بعضی مسایل از جمله ادغام اجتماعی مانند ازدواج بین اعضای فرقه‌های مختلف اسلامی، یک سلسله محدودیت‌ها و ملاحظات توسط پاسخگویان مطرح شده است.
3. احترام به غیرمسلمانان در میان پاسخگویان برجسته به نظر می‌رسد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بیشتر از 50 درصد افراد تحت مطالعه، غیرمسلمانان را به عنوان تهدید تلقی نمی‌کنند. در حالی که در قسمت رفتار برابر با غیرمسلمانان، نزدیک به 40 درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که غیرمسلمانان نباید به گونه‌ای برابر با مسلمانان مورد احترام قرار گیرند.
4. اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که تعداد قابل ملاحظه پاسخ‌دهندگان راجع با این تبصره موافق نیستند که ادیان دیگر نقش مثبت در جامعه دارند. در حالی که بیش از 80 درصد آنها مشکل خاصی با زندگی کردن در یک محیط با شخصی که پیرو یکی از ادیان توحیدی باشد، ندارند.
5. اکثریت پاسخ‌دهندگان، آن عده از مقامات فعلی دولت افغانستان را که ایده‌های لیبرال دارند، تأیید نمی‌کنند. آنها بر این باورند که چنین مقاماتی باعث ترویج ارزش‌های غربی که برخلاف قرآن و حدیث است، می‌شوند. ولی روی هم رفته، تعداد کثیری از پاسخگویان حکومت فعلی افغانستان را از نظر دینی یک حکومت مشروع قلمداد می‌کنند. در عین حال، حدود 70 درصد از اساتید و طلاب با این تبصره که اگر حکومت به حرف علمای دینی گوش ندهد، باید در مقابل حکومت ایستادگی صورت گیرد، موافق‌اند.

## ارتباطات مالی و غیرمالی خارجی

1. بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع سازمانی و عملیاتی مدارس تحت پوشش این تحقیق، از طریق مردم محل تمویل می‌شود و میزان مساعدت‌های مالی بیرونی، بسیار اندک به نظر می‌آید.
2. بیشتر از 50 درصد اساتید مدارس علاقه‌مند هستند که مدارس‌شان توسط حکومت افغانستان تمویل شود. ولی در عین حال، تعدادی از اساتید بر این باورند که نقش کمک‌های محلی و مردمی در احیا و پیش‌برد امور مدارس خیلی حیاتی بوده و باید ادامه یابد.
3. اکثر مدارس مورد مطالعه در این تحقیق، با نهادها و مراکز دینی داخلی و خارجی ارتباط آموزشی ندارند. در این میان، کمتر از 15 درصد از مسئولین مدارس موجودیت چنین ارتباطی را تأیید می‌کنند. با در نظر داشت میزان اندک رابطه آموزشی مدارس تحت مطالعه با نهادهای بیرونی، تصور می‌شود که مدارس وابسته به مذهب تشیع در مقایسه با اهل تسنن، روابط نسبتاً بیشتری با منابع خارجی داشته باشند.

1. جهت افزایش فرهنگ تحمل و مدارا میان مذاهب مختلف اسلامی و تشویق همکاری در بین آنها باید مکاتب مختلط ایجاد شده و برنامه‌ها و مواد آموزشی‌شان برگرفته از متونی باشد که حساسیت و تعصب فرقه‌ای نداشته باشد. علاوه بر این، مدارس دینی باید در وزارت معارف ثبت شده و توسط این وزارت، نظارت کیفی و تأمین مالی شود.
2. دولت افغانستان برای نهادینه‌سازی تفسیر میانه‌رو از قرآن و احادیث، باید کنترل بودجه، طرح برنامه‌های درسی و توسعه زیربنایی مدارس را در تمام ولایات روی دست بگیرد. نمایندگان منتخبی از دولت افغانستان و عالمان دینی میانه‌رو از تمام فرقه‌ها باید به شکل مشترک این برنامه‌ها را مدیریت کنند. علاوه بر این در تمام برنامه‌ریزی‌های مربوط به کم و کیف مدارس دینی باید تلاش شود که نکات مشترک تمام فرقه‌های اسلامی و یا حتی ادیان دیگر مشخص شده و در برنامه‌های آموزشی نهادینه شوند.
3. به نقل از محقق و عالم دینی اصلاح‌طلب با نام جاوید احمد غامدی، برای مبارزه با ایدئولوژی‌های افراطی باید با استدلال‌های دینی میانه‌رو وارد شد نه با ارزش‌های ناب سکولار؛ چون در جامعه اسلامی، استدلال‌های غیردینی باعث برانگیختن حساسیت عمومی می‌شود. برای این کار، نهادهای جامعه مدنی می‌توانند با حمایت از دیدگاه‌های علمای دینی اصلاح‌طلب و میانه‌رو نقش مؤثری بازی کنند.
4. برای مؤثریت هرچه بیشتر حمایت مالی مدارس دینی توسط حکومت، دولت افغانستان باید قوانین حمایت مالی را طوری تنظیم کند تا مدارس که از جانب دولت حمایت مالی می‌شوند، به انجام موارد ذیل مکلف شوند:

**الف:** گزارش مخارج و درآمد مدارس دینی مطابق با قوانین، دقیق شده و در قبال تفتیش رسمی سالانه به یک نهاد تفتیش مستقل، پاسخگو باشند.

**ب:** ارائه مفصل گزارش کمک‌های مالی دریافت‌شده از نهادهای بیرونی به یک نهاد مشخص و باصلاحیت.
5. تشویق برای ایجاد پایگاه دقیق اطلاعاتی تحت نظارت مستقیم حکومت برای ثبت مکمل هویت طلاب مدارس.
6. جهت تقویت تفکر تحلیلی - انتقادی طلاب مدارس، مضامین درسی غیردینی مانند زبان‌های

خارجی، ریاضی و علوم اجتماعی باید به برنامه‌های درسی مدارس افزوده شود؛ مشابه با برنامه‌ای که دولت هند در سال 2009 برای مدارس دینی اسلامی در آن کشور معرفی کرد.<sup>1</sup>

7. دولت افغانستان می‌تواند در توافق و همکاری با شورای علمای افغانستان، در جهت تعیین شرایط ورود به مدارس دینی و ادامه تحصیل در این مدارس، سیستم ارزش‌یابی خاصی را طراحی کند. به گونه‌ای که متقاضیان تعلیمات دینی پس از احراز شرایط تعیین شده، بتوانند به تحصیل بپردازند. چنانکه در رابطه با ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی، سیستم ارزشیابی کانکور نقش تعیین‌کننده دارد. این پیشنهاد مختص به مدارس می‌شود که آموزش‌های تخصصی دینی را با درجات علمی بالا ارائه می‌کنند.

8. در نهایت، چون این تحقیق برای بررسی و سنجش میزان ایده‌های افراطی در مدارس دینی و نقش این مدارس در ترویج افکار افراطی دچار محدودیت‌های زیادی بوده؛ بنابراین باید نهادهای مرتبط با حکومت افغانستان همراه با مراکز تحقیقاتی دیگر با برداشتن چنین محدودیت‌هایی، مطالعاتی را انجام دهند که تصویر واقعی‌تری از میزان ایده‌های افراطی در مدارس غیررسمی دینی و نقش آنها در ترویج چنین ایده‌هایی را نشان دهد.

---

1. Scheme to Provide Quality Education in Madrassas, Department of School Education and Literacy, Ministry of Human Resources Development (MHRD), India, [http://mhrd.gov.in/edu\\_madrassas](http://mhrd.gov.in/edu_madrassas), Accessed on June 10, 2015.

## مقدمه

در این مطالعه، مدارس غیررسمی به آن عده از مدارس دینی اطلاق شده که رسماً توسط هیچ نهاد مربوطه دولتی افغانستان ثبت نشده و حکومت افغانستان هیچ کنترلی بر امور مالی و برنامه‌های درسی آنها ندارد. اکثر مطالعات انجام‌شده نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی مدارس دینی، در تلاش بوده‌اند تا این مدارس را به عنوان یک بخش از خطرات گسترده امنیتی و گفتمان‌های صلح بعد از سپتامبر سال 2011 مطرح کنند. در این میان، بخش زیادی از تحقیقات روی مدارس دینی، توجه‌شان را معطوف به مدارس دینی پاکستان کرده‌اند؛ چون شهرت مدارس پاکستان از نظر ارتباط با گروه‌های افراطی و نقش آنها در نشر باورهای رادیکال دینی بیشتر از مدارس دینی دیگر کشورها می‌باشد. در حالی که به جز چند مقاله ژورنالیستی و گزارش‌های اندک کاربردی، پژوهش‌های اندکی بالای مدارس دینی افغانستان به‌خصوص مدارس دینی غیررسمی این کشور صورت گرفته است تا نشان بدهد که این مدارس در گسترش ایده‌های رادیکال چقدر نقش دارند.

در این گزارش، رادیکالیزم در یک تعریف کلی به روند خروج از ارزش‌های اسلام سنتی و اصول مرتبط با آن که نظیر فرهنگ مدارا، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز است، اشاره می‌کند. این مطالعه

سلسله‌ای از شاخص‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی معین را طرح نموده تا به وسیله آنها ارزیابی دقیقی از میزان باورهای افراطی در این مدارس و نقش آنها در گسترش چنین ایده‌هایی صورت بگیرد. از همین رو، در این تحقیق تلاش شده تا افراط‌گرایی در ساختار مدارس دینی و اینکه به این پدیده در سطح ملی و منطقه‌ای چگونه نگریسته می‌شود، مورد تحلیل قرار بگیرد. یکی از فرضیه‌ها بر این امر استوار است که امکان دارد عناصر و افراد غیردولتی از مدارس دینی غیررسمی برای تبلیغات ایدئولوژیکی و سیاسی‌شان استفاده کنند؛ که در این صورت می‌توان نتیجه گرفت یک بخش از عواملی که مدارس را به طرف رادیکال‌شدن می‌برد، منبع داخلی دارد. ولی با این وجود، چون این مدارس در تعلیمات کودکان پیشینه تاریخی و طولانی داشته، می‌توان با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی‌های دقیق، این نهادهای آموزشی را به یک عامل موثر جهت ارتقاء توان آموزشی و اجتماعی کشور تبدیل کرد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، اگر سیاست‌گذاری‌های دقیقی در مورد مدارس دینی غیررسمی کشور صورت نگیرد، در آینده نه‌چندان دور این نهادها ممکن است به خطری جدی برای صلح و ثبات کشور تبدیل شوند. در این گزارش تلاش شده تا سطح نفوذ ایدئولوژی‌های افراطی و فرقه‌ای در مدارس دینی غیررسمی، تعیین شده و آسیب‌پذیری‌های این مراکز آموزشی را در رابطه با جریان رادیکالیسم روشن سازد. همچنین در این گزارش تلاش شده تا بعضی ابهامات مفهومی و کاستی‌های علمی که درباره جریان‌های افراط‌گرایی در ساختار اجتماعی افغانستان وجود دارد، رفع شود.

به عنوان نمونه یکی از آخرین تحقیقات نظری راجع به مدارس دینی استدلال نموده که تحقیقات انجام‌شده روی روند افراط‌گرایی در مدارس افغانستان، با واقعیت‌های موجود در این مدارس سازگاری ندارد. پژوهشی که در سال 2010 میلادی<sup>1</sup> صورت گرفته، اذعان می‌دارد که اطلاعات و تحلیل‌های جانب‌دارانه و نادرست از نقش مدارس دینی افغانستان در ترویج باورهای افراطی، ارائه شده است. بر اساس تحلیل نویسنده این گزارش، خانم بورچ گریونیک، نمی‌توان نقش مدارس دینی در ترویج افراط‌گرایی و خشونت‌های نظامی را انکار کرد. با وجود کمی و کاستی‌های این تحقیق از قبیل دخیل‌کردن سلیقه‌های فردی در انتخاب نمونه‌های مشخص مورد تحقیق و عوامل بیرونی، یافته‌های کلیدی‌اش می‌تواند تأییدکننده کاری باشد که در این تحقیق راجع به مدارس دینی افغانستان انجام شده است. تحقیق سال 2013 خانم بورچ گریونیک، ده مدرسه دینی افغانستان و سه مدرسه دینی پاکستان را که همه متعلق به فرقه اهل سنت

---

1. Kaja Borchgrevink, Beyond Borders: Diversity and Transnational Links in Afghan Religious Education, PRIO, Oslo.

بود، مورد تحلیل و بررسی قرار داده بود. این تحقیق استدلال می‌کند که حجم نمونه و ترکیب ایدئولوژیکی او نمی‌تواند به جمعیت بزرگ‌تر افغانستان تعمیم داده شود. بنابراین بر اساس تحلیل نهایی نویسنده، نتیجه‌گیری در مورد نقش مدارس دینی افغانستان در ایجاد ایدئولوژی افراطی، امکان بسیار مشکلی به نظر می‌رسد.

## روش تحقیق

هدف از راه‌اندازی این مطالعه، یافتن پاسخ برای سه مسأله اساسی در مورد میزان جریان‌های افراطی در مدارس دینی و نقش آنها در ترویج چنین باورهایی می‌باشد: نخست، دانستن میزان ایده‌های رادیکال در میان اساتید و طلاب مدارس تحت پوشش؛ دوم، میزان ایده‌های افراطی سازمانی این مدارس؛ و در نهایت جستجوی ردپای ایده‌ها و نیت‌های افراطی در منابع تمویل و ارتباط خارجی این مدارس. برای عملیاتی‌سازی مسایل اصلی تحقیق، شاخص‌های ذیل به کار رفته‌اند:

1. فرقه‌های متفاوت اسلامی که پاسخ‌دهندگان از آن پیروی می‌کنند.
2. میزان تساهل و مدارا با فرقه‌های متفاوت اسلامی
3. میزان تساهل و مدارا با غیرمسلمانان
4. نگرش در مورد ادغام ایدئولوژی اسلامی با ساختارهای اجتماعی و سیاسی فعلی کشور
5. میزان سازگاری و تحمل ارزش‌های سکولار و غیردینی
6. سنجش دیدگاه‌ها در مورد جنبش‌ها و گروه‌های رادیکال اسلامی
7. نحوه ارتباط با تمویل‌کنندگان مالی خارجی
8. نحوه ارتباط با اهداکنندگان غیرمالی و ایدئولوژیکی خارجی

این تحقیق در 10 ولایت افغانستان صورت گرفته<sup>1</sup> و 50 مدرسه دینی غیررسمی را تحت پوشش قرار داده است. کارهای ساحوی این تحقیق توسط یک تیم 15 نفره از پرسشگران آشنا به موضوع تحقیق انجام شده است؛ همچنین این پرسشگران برای انجام هرچه بهتر کار ساحوی این تحقیق، توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان آموزش‌های معیاری دیده بودند.<sup>2</sup> انتخاب ولایات با توجه به اهمیت‌شان از

1. بامیان، بدخشان، بادغیس، بلخ، هرات، کابل، قندهار، کنر، قندز و ننگرهار.

2. انستیتوت آموزش‌های دوره حرفه‌ای با معیارهای مهم تکنیکی و اخلاقی تحقیق را برای کارمندان ساحوی خود راه‌اندازی کرد. جهت اطلاعات بیشتر روی موضوعات مطرح‌شده در مورد معیارهای مطرح‌شده با کارمندان ساحوی به لینک زیر رجوع شود:

لحاظ موضوع تحقیق و وضعیت اجتماعی - سیاسی این مناطق از نظر ملی، صورت گرفته است. در این مطالعه، روش مختلط کمی و کیفی به کار رفته و از هر مدرسه، دو مدرس و چهار طالب از طریق روش‌های مشخص کیفی مورد مطالعه قرار گرفتند که در مجموع 306 نفر تحت پوشش این مطالعه قرار گرفتند.<sup>1</sup>

البته باید یادآور شد که تعداد افراد مورد مطالعه به اندازه‌ای نیست که بتوان با اطمینان کامل، یافته‌های آن را به تمام مدارس دینی افغانستان تعمیم داد؛ ولی می‌شود ادعا کرد که نتایج این مطالعه توانایی آن را دارد که در رابطه با موضوع تحقیق، یک چشم‌انداز عمومی از وضعیت مدارس را نشان دهد. چون در این تحقیق در مرحله نخست تعداد افراد و نهادهای تحت پوشش به مراتب بیشتر از تحقیقات مشابه در این زمینه می‌باشد. دوم اینکه، تلاش شده جنبه‌هایی از موضوع مورد بررسی قرار گیرد که قبلاً روی آن تحقیق درستی انجام نشده است. برای انتخاب مدارس بیشتر از دو روش گلوله برفی و هدف‌مند استفاده شده است. چون در این تحقیق تعداد محدودی از مدارس مورد مطالعه قرار می‌گرفت، بنابراین در جریان انتخاب مدارس مورد مطالعه، علاوه بر کنجکاوی پرسشگران ساحوی، نمایندگان «کانون علمی و تحقیقات اسلامی افغانستان» که در اکثر ولایات مورد نظر فعالیت داشتند و ارتباطات رسمی خیلی خوبی با مدارس دینی در سطح کشور دارند، نیز پرسشگران ساحوی را در انتخاب مناسب‌ترین مدارس برای این تحقیق یاری رساندند. نمایندگان این کانون علاوه بر مساعدت کارمندان ساحه، بر روند انجام کار ساحوی نیز نظارت داشتند.

## یافته‌های تحقیق

### الف) فرقه‌های مذهبی پاسخگویان

با پدید آمدن جریان‌های افراط‌گرای مذهبی، عدم پذیرش و مدارا با فرقه‌های مختلف اسلامی یکی از شاخصه‌های این جریانات قلمداد می‌شود. مسلمانان افراطی برداشت خود از دین را حق مطلق دانسته و خودشان را تنها پیروان واقعی اسلام می‌پندارند. چنین افرادی، باورهای دیگر فرقه‌های اسلامی را نادرست و منحرفانه تلقی می‌کنند. به طور مثال، پیروان فرقه‌های سلفی و وهابیت گرایش به انتقاد تند و بی‌باکانه از غیرمسلمانان و مسلمانان پیرو دیگر فرقه‌ها دارند. در حالی که پیروان فرقه‌های میانه‌رو مانند تصوف و یا آنان که از مکتب حنفی - سنتی پیروی می‌کنند، بردباری و تحمل بیشتری نسبت به فرقه‌های غیر از خودشان دارند.

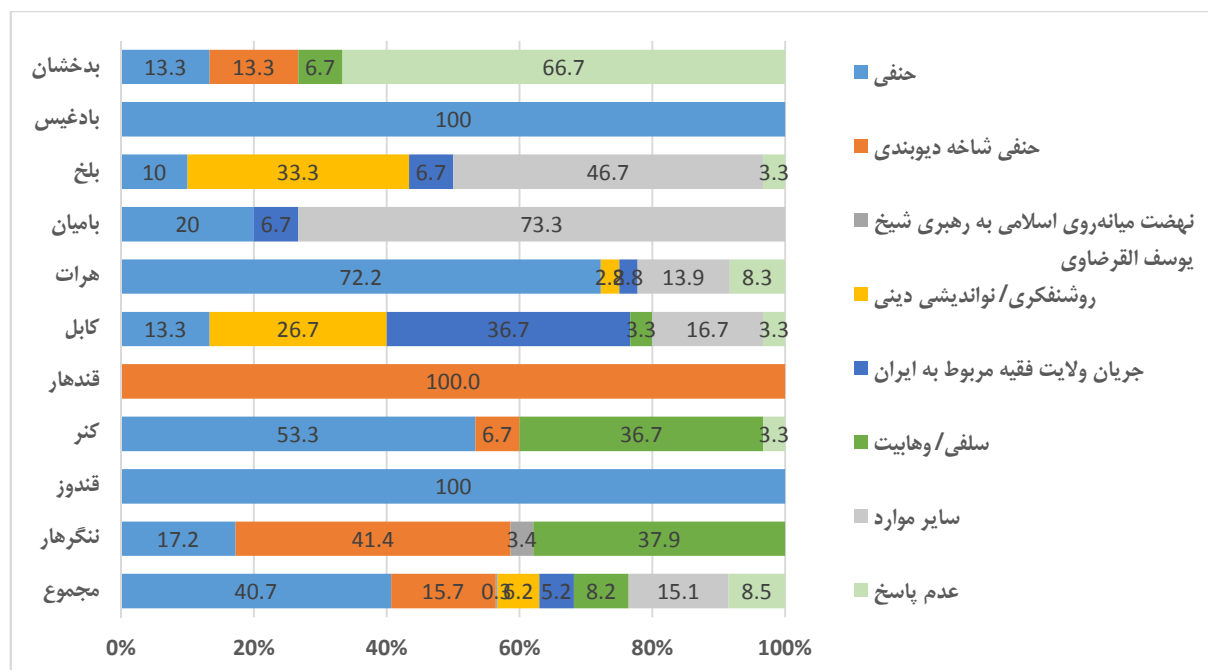
---

<http://www.esrc.ac.uk/about-esrc/information/research--ethics.aspx>

1. برای دریافت جزئیات بیشتر درباره روش تحقیق به ضمیمه شماره 1 مراجعه شود.



شکل 1: کدام فرقه دینی نماینده اسلام حقیقی می‌باشد؟



بر اساس یافته‌های این تحقیق و طوری که در شکل بالا نشان داده شده، 40 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که اصول مکتب حنفی، بهترین مرجع دینی برای نمایندگی از اسلام می‌باشد. در حالی که تنها 8 درصد از پاسخ‌دهندگان به پیروی از اصول مکاتب وهابی و سلفی اعتراف می‌کنند. وجود این واقعیت که نظام عقیدتی - فکری تصوف، میلیون‌ها پیرو در سراسر آسیای جنوبی و افغانستان داشته و به عدم خشونت و تصور عرفانی شهرت دارد،<sup>1</sup> ولی هیچ یک از پاسخگویان این فرقه را نماینده واقعی اسلام قلمداد نکرده‌اند. در پاسخ به این پرسش که کدام فرقه‌ها می‌توانند ارزش‌های درست اسلامی را در خود داشته باشند، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اکثر شاگردان و استادان مدارس دینی ادعا کرده‌اند که فرقه‌های سنی حنفی و شیعه جعفری دارای برخی ارزش‌های اساسی مشترک بوده که نمایانگر اسلام واقعی است. بیشتر کسانی که چنین نظری راجع به حقانیت سنی حنفی و شیعه جعفری دارند، بر این باورند که وهابیت و سلفیت نمی‌توانند از اسلام نمایندگی کنند. با وجود احساس هم‌دلی اندک بین افرادی از فرقه‌های سنی حنفی و اهل تشیع، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که چنین وضعیتی به طور خاص نمی‌تواند نشان‌دهنده افراطی بودن باشد؛ بلکه برعکس این موضوع از طرز تصور فرقه‌محور افراد نشأت می‌گیرد. از جمله کارکردهای منفی تصور فرقه‌محور این است که مانع تلاش‌های مشترک فرقه‌های مذکور برای مبارزه مشترک

1. Ali M. Latifi, Afghanistan's Ancient Sufi Order Shocked by Deadly Attack, Los Angeles Times, March 08, 2015, <http://www.latimes.com/world/afghanistan-pakistan/la-fg-afghanistan-sufi-attack-20150308-story.html>

در برابر ایدئولوژی‌های جدید که رویکردهای خصمانه‌ای نسبت به هر یک از آنها دارد، می‌شود.

### ب) بردباری و احترام نسبت به پیروان فرقه‌های مختلف اسلامی و غیرمسلمانان

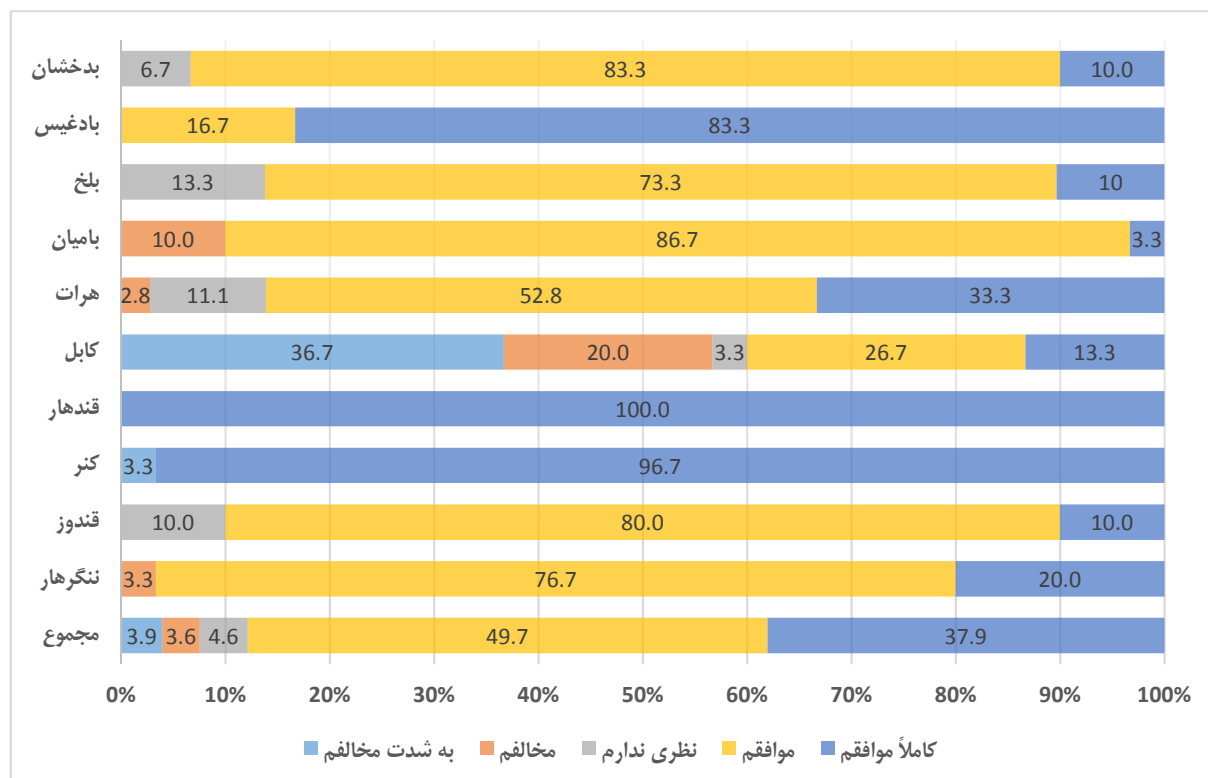
فرقه‌های سنتی اسلامی، مانند شیعه و سنی اصرار دارند که بیشتر از یک تفسیر درست از دین وجود ندارد. علاوه بر این، پیروان هر دو فرقه در این باور مشترک‌اند که درک صحیح از عقاید دینی در متون مربوطه‌شان انعکاس یافته. ولی چون در این مطالعه فرد رادیکال: به کسی اطلاق شده که بخواهد نظرش را به کسی دیگر تحمیل کند، پس نمی‌شود کسانی که بر حقانیت عقیده‌اش تأکید کرده، ولی نخواهد باورهای خود را به دیگران تحمیل کند، برچسپ افراطی زد.

تقسیمات فرقه‌ای همراه با تفاوت‌های ایدئولوژیکی، یک واقعیت اساسی اسلام معاصر به حساب می‌آید. پیروان هر یک از فرقه‌ها تلاش می‌کنند تا باورها و ارزش‌های عقیدتی‌شان را با ارزش‌های دوره‌های ابتدایی اسلام مطابقت دهند. این تفاوت‌ها در میان فرقه‌های اسلامی به شکل قابل توجهی در طول قرون گذشته تقویت شده است. بسیاری از این تفاوت‌های فرقه‌ای با هویت ملی، قومی و زبانی خلط شده است. چنین تنش‌هایی در میان فرقه‌های سنتی اسلام، با ظهور جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های جدید مذهبی که نه تنها باورها و اعمال مذهبی این فرقه‌های سنتی را غیراسلامی می‌داند، بلکه از پیروان خود خواهان مبارزه مستقیم در برابر این فرقه‌های سنتی می‌باشد، موضوع را بیشتر پیچیده کرده است. ولی باید یادآور شد که تقاضا برای چنین شیوه‌ای جزم‌اندیشانه از دین، در اکثر کشورهای اسلامی قابل ملاحظه نیست و نتایج این تحقیق هم این موضوع را تأیید می‌کند. چنانچه نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از 85 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که بسیاری از فرقه‌های اسلامی نقش مثبتی در اسلام داشته و باید احترام شوند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از مصاحبه‌شونده‌ها مشکل خاصی در ازدواج یک مسلمان با فردی از سایر فرقه‌های مذهبی اسلام نمی‌بینند.

مهم‌ترین آنها به گفته یکی از معلمان از ولایت بدخشان: همه مسلمانان برادرند و زیر یک چتر ایدئولوژیکی به نام اسلام هستند؛ به همین دلیل مسلمانان نباید خود را بر مبنای فرقه تقسیم کنند. البته این موضوع را باید یادآور شد که با وجود دید مثبت راجع به ازدواج بین فرقه‌های مختلف، پاسخ‌دهندگان اهل تسنن در بعضی مدارس، ازدواج پیروان فرقه‌های اهل سنت با اهل تشیع را توصیه نمی‌کنند. به طور نمونه یک طالب از ننگرهار اظهار داشته: اگر فرد شیعه نباشد، مشکلی در ازدواج وجود ندارد. البته این موضوع قابل یادآوری است که فرقه‌های افراطی اسلامی، ازدواج را تنها با مسلمانان فرقه خودشان جایز می‌دانند. یک مدرس پیرو فرقه سلفی از ننگرهار معتقد است که افراد آن فرقه نباید با پیروان فرقه‌های دیگر اسلامی

ازدواج و یا رابطه برقرار کنند. یکی از یافته‌های جالب توجه در قسمت حد و حدود ازدواج در میان پاسخ‌دهندگان این تحقیق این است که زن‌گرفتن از فرقه‌های مذهبی مختلف قابل قبول بوده، ولی نکاح کردن دختری که پیرو فرقه آنها باشد، با یک مرد از فرقه اسلامی دیگر جایز نیست.

شکل 2 بیشتر مذاهب اسلامی نقش مثبتی در تبیین و رشد اسلام دارند.



در قسمت احترام به فرقه‌های مختلف، این یافته قابل یادآوری است که در بعضی مدارس مورد مطالعه تعدادی از پاسخ‌دهندگان این نظر را مطرح کرده‌اند که تنها چهار فرقه اصلی اهل سنت باید محترم شمرده شوند. در حمایت از این دیدگاه، یک شاگرد از ننگرهار گفت: او تنها به افرادی احترام می‌گذارد که پیرو یکی از فرقه‌های اهل سنت باشد. در حمایت از چنین ایده‌ای، یکی از طلاب مدارس دینی از ولایت کنر ابراز داشته که فقط چهار فرقه عمده اهل سنت بر علاوه آنچه او فرقه سلفی قلمداد می‌کند، قابل احترام‌اند. طالب دیگری از مدرسه‌ای در ولایت کنر معتقد است که همه فرقه‌های اسلامی به استثنای اهل تشیع، نماینده واقعی اسلام بوده و نقش مثبتی در اسلام دارند و از این رو باید با دید محترمانه نگریسته شوند. در تقابل با چنین ایده‌ای، یکی از طلاب مدارس دینی اهل تشیع، خشم خود را نسبت به سایر فرقه‌ها با این استدلال که وقتی فرقه‌های دیگر به ما احترام نمی‌گذارند، پس نیاز نیست که ما به آنها احترام بگذاریم، نشان می‌دهد. در این میان تعدادی از طلاب بودند که از سردرگمی و عدم احترام پیروان فرقه‌های اسلامی با

یکدیگر شکوه داشته و انتقاد می‌کنند که علمای فرقه‌های فعلی به جای یافتن ارزش‌های مشترک، در حال ترویج باورهای تفرقه‌افکنانه در میان مسلمانانند. با وجود تبصره‌ها و قرائت‌های مختلف راجع به احترام متقابل فرقه‌ها نسبت به همدیگر، در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان در مدارس دینی کشور نگرش منفی نسبت به پیروان متعدد مذاهب اسلامی دارند؛ و این ادعا را حمایت می‌کنند که مدارس دینی غیررسمی در افغانستان، تاکنون نقش قوی در ترویج باورهای تفرقه‌افکن ندارند.

### پ) حس احترام به عقاید سایر ادیان

تشابه ایدئولوژیکی و میزان فعالیت جمعی در بین گروه‌های اسلامی افراطی، یکی دیگر از نگرانی‌های بزرگ را تشکیل می‌دهد. این طرز تفکر را می‌توان در اهداف استراتژیک بسیاری از گروه‌ها و جنبش‌های افراطی و تندرو در افغانستان مشاهده کرد. مثالی تازه از این نوع تشابه ایدئولوژیکی را می‌توان در ظهور دولت اسلامی عراق و شام (ISIS) مشاهده کرد که برخلاف گروه‌های رادیکال اسلامی منفعل‌تر، به شکل فعال به دنبال ایجاد دولت افراط‌گرای اسلامی است.<sup>1</sup> چنین ایدئولوژی که هدف آن پالایش مردم بر اساس شیوه‌های مذهبی باشد، فرصتی برای تشکیل جامعه‌ای با تنوع ایدئولوژیکی را نمی‌دهد.

افراد و گروه‌های افراطی اسلامی بر این باورند که غیرمسلمانانی که در یک کشور اسلامی زندگی می‌کنند، واجد شرایط کامل شهروندی در آن کشور نمی‌باشند. به عنوان مثال، در مناظره‌ای بین دو عالم مسلمان مشهور پاکستانی، داکتر اصرار احمد و داکتر جاوید احمد غامدی، داکتر اصرار به وضوح اظهار می‌دارد که با توجه به تفسیر او از قرآن و حدیث، غیرمسلمانان برای شهروندی کامل در یک کشور اسلامی واجد شرایط نیستند؛ و همیشه با آنها به عنوان یک اقلیت محافظت‌شده رفتار خواهد شد.<sup>2</sup> داکتر غامدی و دیگر علمای میانه‌روی مسلمان در تضاد با این دیدگاه اظهار می‌دارند که یافته‌های داکتر اصرار ریشه‌ای در آموزه‌های قرآن و حدیث ندارد.

در پاسخ به گویه «مردم ادیان دیگر باید برابر با مسلمانان احترام شوند.» بیش از 50 درصد از پاسخ‌دهندگان با این گویه موافق بودند؛ در حالی که تقریباً 40 درصد از پاسخ‌دهندگان مخالفت خود را با این تبصره اعلان کردند. بنابراین به وضوح، تمایز روشنی در سطح احترام پاسخ‌دهندگان به مسلمانان و

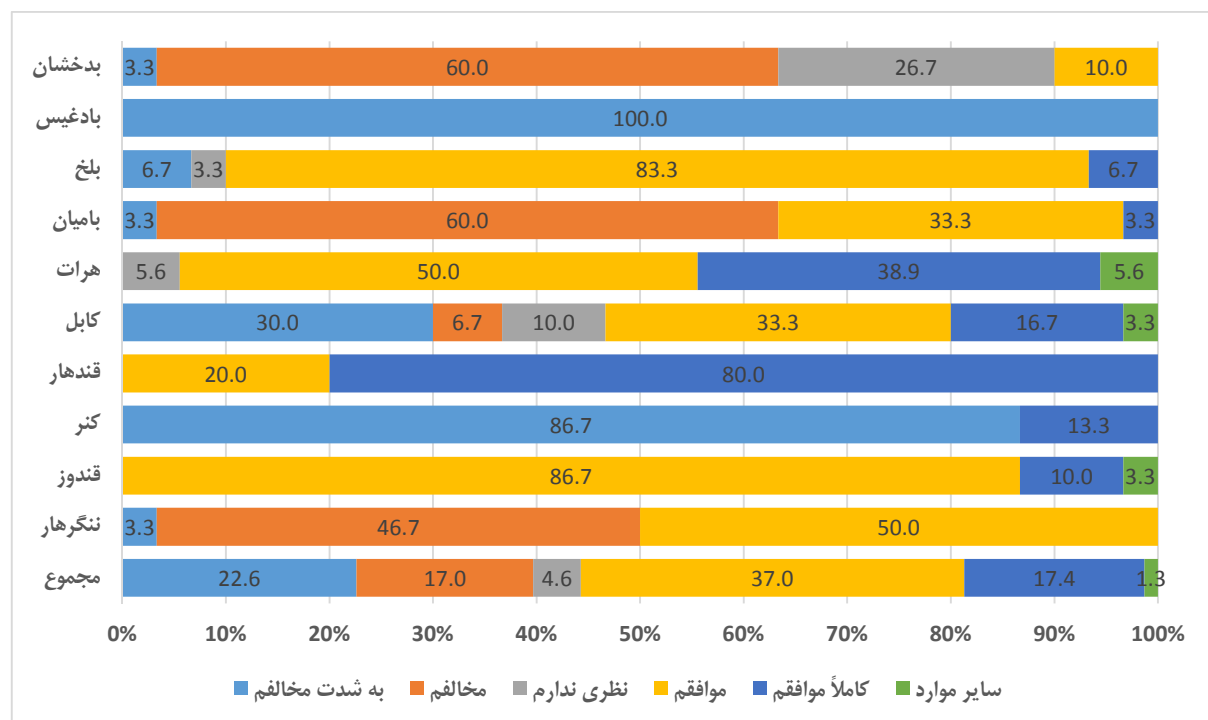
---

1. Daniel L. Byman, Comparing Al Qaeda and ISIS: Different Goals, Different Targets, Brookings, April 29, 2015, <http://www.brookings.edu/research/testimony/2015/04/29-terrorism-in-africa-byman>

2. Javed Ahmed Ghamidi and Israr Ahmad, Discussion on the Procedure of Establishing an Islamic State, [https://www.youtube.com/watch?v=Wlf3\\_1tHzKs](https://www.youtube.com/watch?v=Wlf3_1tHzKs), Accessed on June 15, 2015.

غیرمسلمانان دیده می‌شود. باور عمومی بر این است که آن عده از غیرمسلمانانی که با مسلمانان دیگر در جنگ نیستند و یا قصد آسیب‌رساندن به آنها را ندارند، باید محترم شمرده شوند؛ هرچند این غیرمسلمانان نباید هیچ‌گاه با مسلمانان، برابر ملاحظه شوند. عده‌ای دیگر بر این باورند که صرف‌نظر از خصومت‌های غیرمسلمانان نسبت به مسلمانان، باید آنها محترم شمرده شوند، تا عقاید اسلامی را مورد قبول احساس کرده و به طرف اسلام جذب شوند. یکی از طلاب مدرسه‌ای در ولایت هرات اظهار داشته که مردم تمام ادیان باید به طور یکسان مورد احترام واقع شوند؛ زیرا این راه و روش از آموزه‌های حضرت محمد (ص) برای مسلمانان است. گروه دیگری از محصلین معتقد بودند که غیرمسلمانان در صورتی شایسته احترام هستند که با مسلمانان خصومتی نداشته و با آنها در جنگ نباشند.

شکل 3. به پیروان دیگر ادیان باید به طور مساوی احترام گذاشته شود.

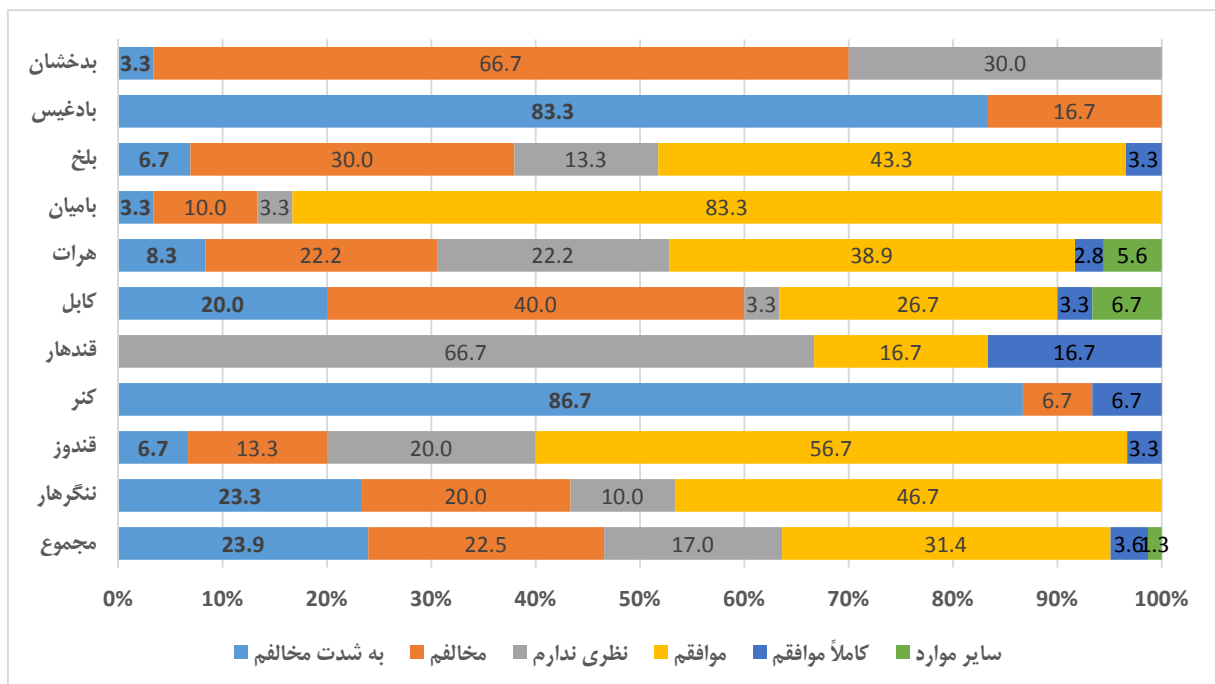


### ت) سهم‌گیری عقاید دینی مختلف در جامعه

در پاسخ به گویه «اکثر اعتقادات دینی مشارکت مثبتی در جامعه دارند»، بیشتر از 33 درصد از پاسخ‌دهندگان موافق بوده و تقریباً 45 درصد از پاسخ‌دهندگان مخالف این گویه بودند. مخالفین معتقد بودند که افراد متعلق به سایر مذاهب دینی، نمی‌توانند مشارکت مثبتی در جامعه داشته باشند. به طور کل، مدرسین و محصلین نگرشی منفی نسبت به عقاید دینی دیگر و سهم آنها در جامعه داشتند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که فقط اسلام می‌تواند در جامعه مشارکت مثبت داشته باشد و سایر ادیان توحیدی مثل مسیحیت و یهودیت، در صورتی می‌توانستند در جامعه مشارکت مثبت داشته باشند که پیروان آنها در کتب

مقدس‌شان تصرف نمی‌کردند. با این حال، این دیدگاه‌ها لزوماً بدین معنی نیست که پاسخ‌دهندگان رفتار رادیکال و یا افراطی دارند؛ بلکه این یافته‌ها منعکس‌کننده جهل و نادانی آنان نسبت به دیگر جوامع و ادیان جهان است. ما این نادانی را با فرسودگی نظام آموزشی مدارس مرتبط می‌دانیم. سیستم‌های آموزشی در مدارس دینی غیررسمی، تفکر انتقادی را تشویق نکرده و در نتیجه منجر به رکود فکری می‌شوند. طلاب مدارس همان چیزهایی را که در زمان تحصیل خود آموخته بودند، مجدداً درس داده و در نتیجه باعث تداوم جهل می‌شوند.

شکل 4: اکثریت ادیان دیگر کمک مثبت به جامعه می‌نمایند.

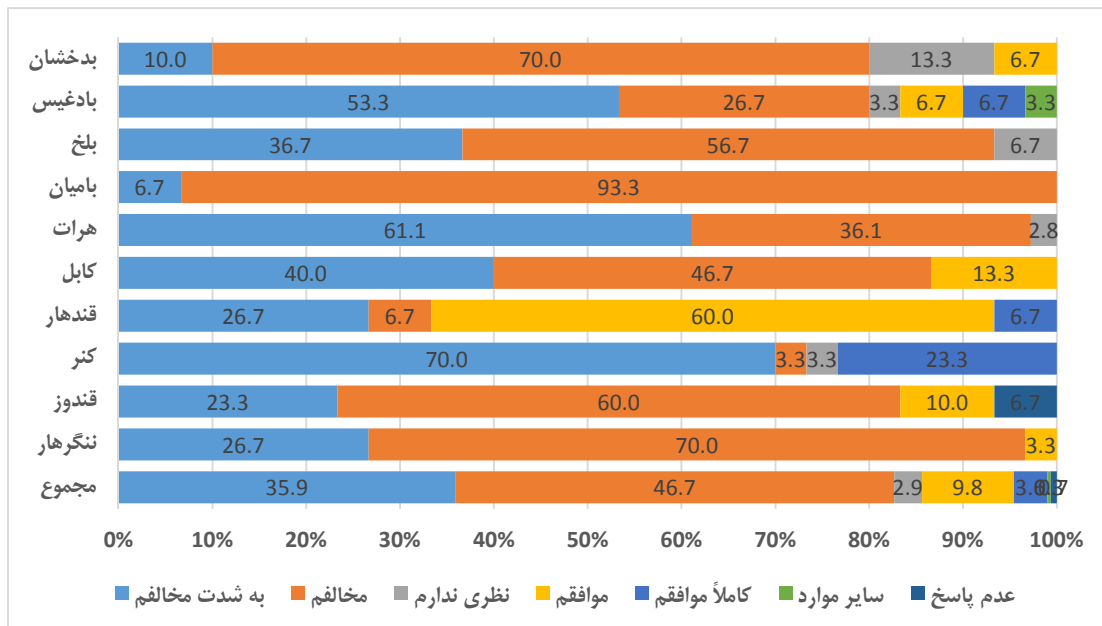


بیشتر از 80 درصد پاسخ‌دهندگان با گویه «پیروان مذاهب دیگر می‌توانند به جامعه آنها آمده و در کنار آنها بدون هیچ مشکلی زندگی کنند.» موافق بودند. این یافته‌ای تشویق‌کننده بوده و می‌تواند پیغام متقابلی برای افکار افراطی در مورد ایجاد یک دولت اسلامی که هیچ تحملی در قبال تنوع دینی در جامعه ندارد، باشد. با این حال، تعدادی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که یک غیرمسلمان تنها تحت شرایط خاصی می‌تواند در یک جامعه اسلامی زندگی کند. یکی از معلمانی که در ولایت بدخشان با وی مصاحبه شده، بر این باور بوده که اگر یک خانواده غیرمسلمان به یک جامعه اسلامی بیاید، مکلف به پرداخت جزیه است. معلمی دیگر از ننگرهار اظهار داشته که غیرمسلمانان تنها در صورتی می‌توانند به جامعه اسلامی بیایند که به شکل آشکار به ممارست دین خود نپردازند. برخی دیگر از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که به منظور دعوت به اسلام، باید به غیرمسلمانان اجازه داده شود تا در جوامع اسلامی زندگی کنند.

### ث) توجیه دینی خشونت علیه غیرمسلمانان

در یک دولت اسلامی تنها تحت شرایط خاصی می‌توان جنگ را برپا ساخت. همچنین قرآن و حدیث به وضوح اذعان می‌دارد کسانی همچون زنان و کودکانی که در جنگ اشتراک نکرده‌اند، نباید در جریان جنگ آسیب ببینند. نمودار زیر نشان می‌دهد که بیش از 80 درصد پاسخ‌دهندگان با گویۀ «خشونت علیه غیرمسلمانانی که با مسلمانان نمی‌جنگند، از لحاظ دینی موجه است.» مخالفت می‌کنند. اکثر نظریات بر این واقعیت استوار است که اسلام دینی صلح‌آمیز بوده و خشونت علیه تابعین دیگر ادیان در اسلام ممنوع است. تنها معلمانی که با آنها در ولایت بادغیس مصاحبه صورت گرفته بود، بر این باور بودند که خشونت علیه تابعین ادیان دیگر که اسلام را نمی‌پذیرند، رواست. این نشان می‌دهد که به جز چند مورد استثنایی، اکثریت معلمان و شاگردان مدارس دینی دارای فهم بنیادین از اسلام میانه‌رو بوده و از اسلامی که شهرت در صلح و هم‌پذیری دارد، انحراف قابل توجه نداشته‌اند. اما به سؤال‌های «آیا مسلمانان با غیرمسلمانان دست داده می‌توانند؟ و یا بر سر یک دسترخوان با یکدیگر نشسته می‌توانند؟» تقریباً 40 درصد از پاسخ‌دهندگان با ارائه سه دلیل متفاوت، واکنش منفی نشان دادند.

شکل 5: توجیه دینی خشونت علیه غیرمسلمانانی که در جنگ با مسلمانان نیستند.



یک دسته از آنها بر این باور بودند که دست‌دادن با غیرمسلمانان و نشستن بر سر یک دسترخوان با آنها تنها در صورتی جواز دارد که ایشان از جنسیت موافق باشد. دسته دوم بر این عقیده بودند که مسلمانان تنها می‌توانند با پیروان اهل کتاب مثل یهودیان و مسیحیان به شرط رعایت موضوع جنسیت دست داده و بر سر یک دسترخوان بنشینند. دسته سوم اظهار داشتند که بر سر یک دسترخوان نشستن مسلمان با غیرمسلمان

منعی نداشته؛ اما در موقع دست‌دادن با غیرمسلمان نباید دستش تر باشد.

### ج) نظریات در مورد دولت و حکومت‌داری

در سال‌های اخیر، تلاش‌های حکومت افغانستان برای رسیدن به موافقت صلح با طالبان با شکست مواجه شده است.<sup>1</sup> عوامل بسیاری در به میان آمدن این شکست دخیل بوده‌اند؛ اما عاملی که در این بین، نقش برجسته‌تر داشته، رد قانون اساسی فعلی افغانستان از جانب طالبان می‌باشد. طالبان قانون اساسی فعلی افغانستان را به دلیل داشتن تعدادی ماده‌های مربوط به حقوق زن و حقوق بشر غیراسلامی می‌پندارند. از جانب دیگر رهبری طالبان در صدد جایگزینی قانون شریعت اسلامی به جای قانون اساسی در افغانستان است. در پیوند با این واقعیت، ما از پاسخ‌دهندگان چندین سؤال در مورد حکومت فعلی افغانستان پرسیدیم. در جواب به گویۀ «حکومت افغانستان یک رژیم مشروع اسلامی است.» بیش از 75 درصد موافق، و کمتر از 15 درصد، در 10 ولایت کشور با آن مخالف بوده‌اند. پاسخ‌دهندگان مخالف این باورند که در قانون اساسی افغانستان، قوانین مشخص غیراسلامی وجود دارد. به طور مثال، شاگردی از هرات با سیستم بانک‌داری افغانستان مشکل داشته و بر این باور بود که سیستم بانک‌داری باید بر اساس اصول اسلامی باشد. شاگردی دیگر از ننگرهار بر این عقیده بود که افغانستان تا زمانی که حضور نیروهای امریکایی در آن پابرجا باشد، هرگز یک کشور اسلامی نخواهد بود. قابل یادآوری است که اشاره به نیروهای امریکایی از جانب شهروندان افغان در حقیقت اشاره به تمام نیروهای خارجی می‌باشد.

برعلاوه بیش از 80 درصد پاسخ‌دهندگان طبق برداشت‌شان از اسلام، عضویت فعال در حکومت فعلی افغانستان را بلامانع پنداشته‌اند. هرچند شاگردی از ننگرهار معتقد بود که هر افغان می‌تواند برای حکومت کار کند، مشروط بر اینکه بر فضای کاری‌اش تنها قوانین اسلامی حاکم بوده و همراه کافرانی (نیروهای ناتو و امریکایی) که در افغانستان فعالیت می‌کنند، همکاری نکند. گویۀ «فعالیت‌های شورشی بر ضد حکومت افغانستان از لحاظ دین موجه است.» از سوی بیش از 80 درصد پاسخ‌دهندگان محکوم شد. هرچند شاگردانی از ولایات بادغیس، هرات و ننگرهار بر این عقیده بودند که مردم باید به شکل صلح‌آمیزی در برابر حکومت فعلی افغانستان ایستادگی کنند. اما این شاگردان بر این باورند که اگر حکومت افغانستان قصد داشته باشد قوانین اسلامی را تغییر داده و یا قوانین سکولار را جایگزین آن نماید، هر افغان باید مسلحانه در مقابل چنین تصامیمی بایستد.

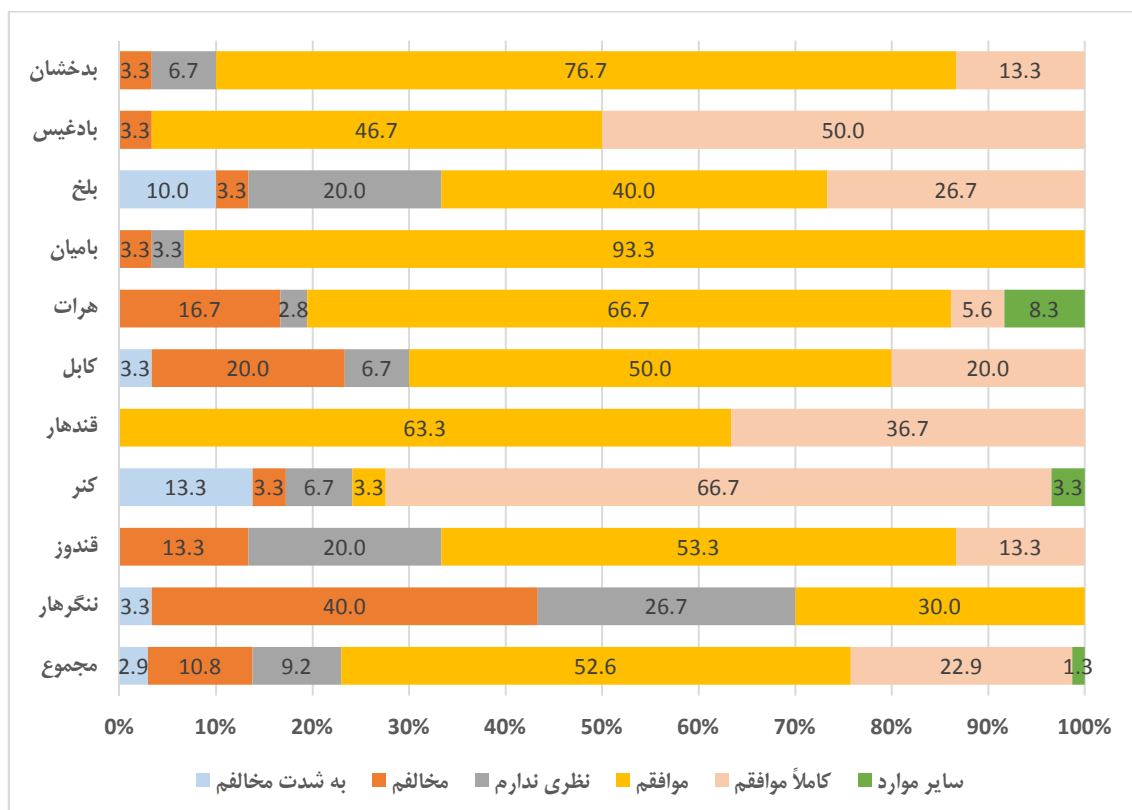
---

1. Taliban is an Islamic fundamentalist political movement in Afghanistan. It spread throughout Afghanistan and formed a government, ruling as the Islamic Emirate of Afghanistan from 1996 until 2001.



جالب اینکه نزدیک به 65 درصد از پاسخ‌دهندگان از طبیعت آزادی‌خواهی دولت‌مردان افغانستان خرسند نبوده و در هراس‌اند که این دولت‌مردان به ترویج فرهنگ غرب که در تناقض با آموزه‌های قرآن و حدیث قرار دارد، مشغول‌اند. شاگردی از هرات با نظری متفاوت اظهار داشته که وی با دولت‌مردان لیبرال حکومت افغانستان تا وقتی که به ارزش‌های اسلامی پایبند بوده و به ترویج فرهنگ غرب نپردازند، مشکلی ندارد.

شکل 6. آیا دولت افغانستان یک رژیم مشروع دینی می‌باشد؟



علاوه بر این، نزدیک به 70 درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باورند که مخالفت با حکومت افغانستان در صورت عدم توجه حکومت به مشوره‌های علمای دین، جواز دارد. طبق گفته شاگردی از بدخشان، علمای دین حاملان پیام‌های خدا و قرآن بوده و همه به شمول حکومت افغانستان باید به آنها گوش فرا دهند؛ در غیر آن، طغیان بر هر مسلمان فرض است. همچنین تقریباً 60 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که با وجود حضور پولیس و سیستم قضایی، یک مسلمان باید در صورت مشاهده ارتکاب جرم، بر اساس تعاریف اسلام، به جای ارگان‌های رسمی قضایی دست به کار شود. برخی شاگردان و مدرسین در ولایات بلخ، بدخشان و بادغیس تصریح کردند که اگر پولیس و سیستم قضایی علیه ارتکاب جرایم آشکار اقدامات لازم را انجام ندهند، این وظیفه هر مسلمان است که از ارتکاب چنین جرایمی جلوگیری کند. ایشان این استدلال را با استناد بر حدیث زیر مطرح می‌کنند:

«هر کس از شما که شاهد کاری پلید است، باید آن را با دستان خود تغییر دهد. اگر قادر به این کار نیست، پس آن را با زبان خویش تغییر دهد. و اگر باز هم قادر به این کار نیست، پس باید آن را با قلب خویش تغییر دهد. و این کوچک‌ترین اثر ایمان است.»<sup>1</sup>

مدرس و شاگردی از ولایات بدخشان و بادغیس بر این باور بودند که این حدیث مصداقی روشن بر این بوده که هر مسلمان صلاحیت اجرای قانون برای جلوگیری از ارتکاب پلیدی را دارد. زجرکشی فرخنده<sup>2</sup> مثالی واضح برای این نظریه است.

### چ) دیدگاه‌های حامی مفهوم پیمان صلح با غیرمسلمانان

کمبود و یا فقدان گزارش‌های کامل و مسئولانه رسانه‌ای در ولایات سروی‌شده، این ولایات را به انزوا برده است. مردم در این جوامع قادر به دنبال‌کردن رویدادهای جهانی و غالباً ملی نمی‌باشند. برعلاوه، این جوامع در معرض نظریه‌های گوناگون ایدئولوژیکی و حوادثی که غالباً اخبار مدرن و روز جهانی را تحت پوشش قرار می‌دهد، نیستند. این نوع سانسور منجر به کاهش رشد جوامع اسلامی در سراسر افغانستان شده است. در واقع، جوامع افغانی غالباً مانند جریمه بوده که هر یک به دور از رویدادهای جهانی در انزوا زندگی کرده و تنها در قبال خود مسئولیت دارند.

با این حال، تعداد اندکی از مردم افغانستان به طور کامل دسترسی به رسانه‌های جهانی ندارند. تکنولوژی موبایل، شبکه‌های بی‌سیم و جمعیتی بزرگ و پویا از جوانان به این معنی است که رسانه‌ها اغلب در جوامع ولایتی رسیده‌اند. با این حال، یکی از نتایج این امر، انتشار داستان‌های احساسی ضداسلامی است. در جوامع قبیله‌ای اطلاعات به سرعت گسترش می‌یابد و گروه‌هایی که مایل به تحریک احساسات هویت اسلامی هستند، این داستان‌های رسانه‌ای را به عنوان ابزاری برای برانگیختن احساسات مسلمانان بر ضد انتشار رسانه‌ها استفاده می‌کنند.

برخی از علمای افراطی اسلام مانند «سید قطب» بر این باورند که توافق صلح با غیرمسلمانان تنها در شرایط خاصی مجاز است. با این حال، این دیدگاه در تضاد با عقاید مدارس مسلمانان میانه‌رو قرار دارد. برخی از علمای اسلامی مانند «مولانا وحیدالدین خان» از هندوستان و داکتر «جاوید احمد غامدی» از پاکستان، به وضوح بیان می‌کنند که مسلمانان و غیرمسلمانان می‌توانند در رابطه با هر نوع توافق صلحی که برای هر دو طرف سودمند باشد، وارد مذاکره شوند. در دوره‌ای که انسان‌ها به هم وابسته هستند، خلاف

---

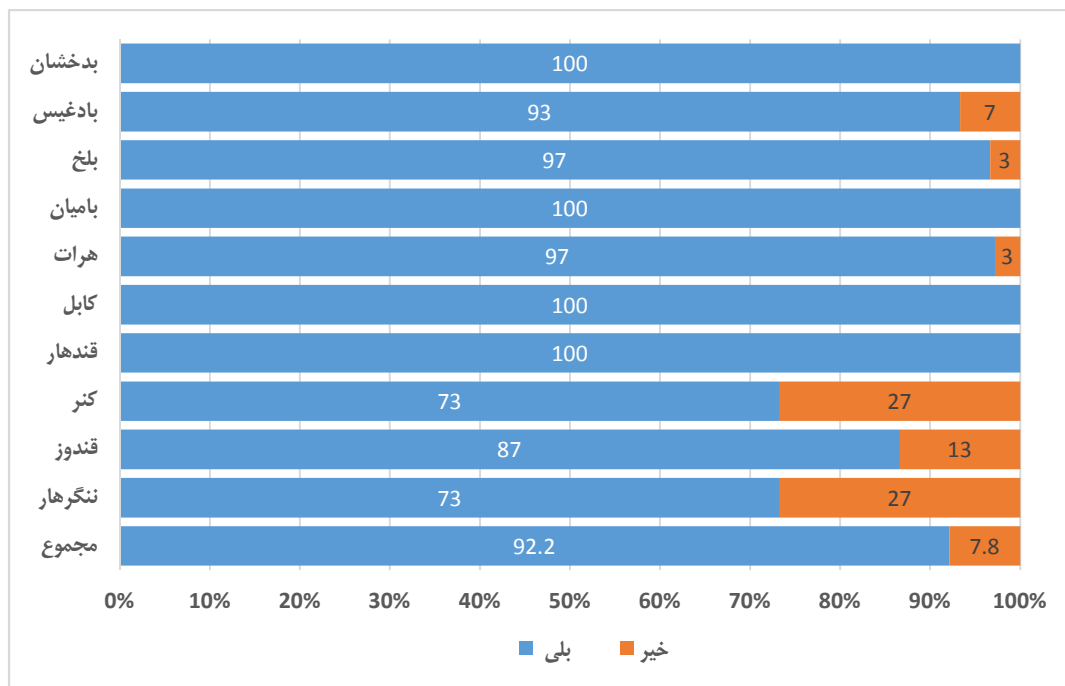
1. Recorded by Sahih Muslim in Kitab Al-Iman (Book on Faith), Hadith No. 49/78

2. زن جوان افغان که توسط مردم به اتهام سوزاندن قرآن در 28 حوت 1393، به شکل فجیعی کشته شد و سپس جسدش سوزانده شد.

منطق و عقل است که بگوییم طرفین به خاطر تفاوت‌های دینی و مذهبی نمی‌توانند به توافقی در رابطه به صلح برسند. در پاسخ به گویۀ «آیا مسلمانان اجازه مذاکره در رابطه با توافقات صلح با غیرمسلمانان را دارند؟» بیشتر از 90 درصد پاسخ‌دهندگان نظر مثبت داشتند؛ در حالی که تنها 8 درصد پاسخ منفی داشتند. این دیدگاه مدرسین و شاگردان برای توسعه یک افغانستان صلح‌آمیز و پایدار، بسیار دلگرم‌کننده است؛ چرا که نشان می‌دهد در کل، هیچ نفرت جدی‌ای نسبت به غیرمسلمانان وجود ندارد.

این ایده که مسلمانان می‌توانند با غیرمسلمانان در رابطه با صلح به توافق برسند، از «پیمان حدیبیه» که به واسطه آن، حضرت محمد (ص) وارد پیمانی ده ساله با غیرمسلمانان مکه شد، سرچشمه می‌گیرد. در این توافق، آن حضرت امتیازات بزرگی برای مسلمانان ایجاد کرد که در ابتدا مورد پذیرش اصحابش قرار نگرفت.

شکل 7: آیا مسلمانان اجازه تصویب نمودن پیمان صلح با غیرمسلمان را دارند؟



در این تحقیق، اکثریت مطلق پاسخ‌دهندگان در رابطه با توافق صلح با غیرمسلمانان موافق بودند؛ در حالی که برخی از پاسخ‌دهندگان نیز احتیاط در وارد شدن به توافقات صلح با غیرمسلمانان را پیشنهاد کردند. یکی از مدرسانی که با وی در ولایت ننجرهار مصاحبه شده بود، گفت: پیمان صلح با غیرمسلمانان در صورتی باید امضا شود که مقاصد آنها مشخص بوده و پس از آن مطابق با آموزه‌های قرآنی و حضرت محمد (ص)، آنها به دین اسلام دعوت شوند. مدرس از ولایت هرات نظریه کاملاً متفاوتی داشت و معتقد بود که توافق‌نامه صلح تنها در صورتی که به نفع اسلام باشد، می‌تواند امضا شود. شاگردی از ولایت

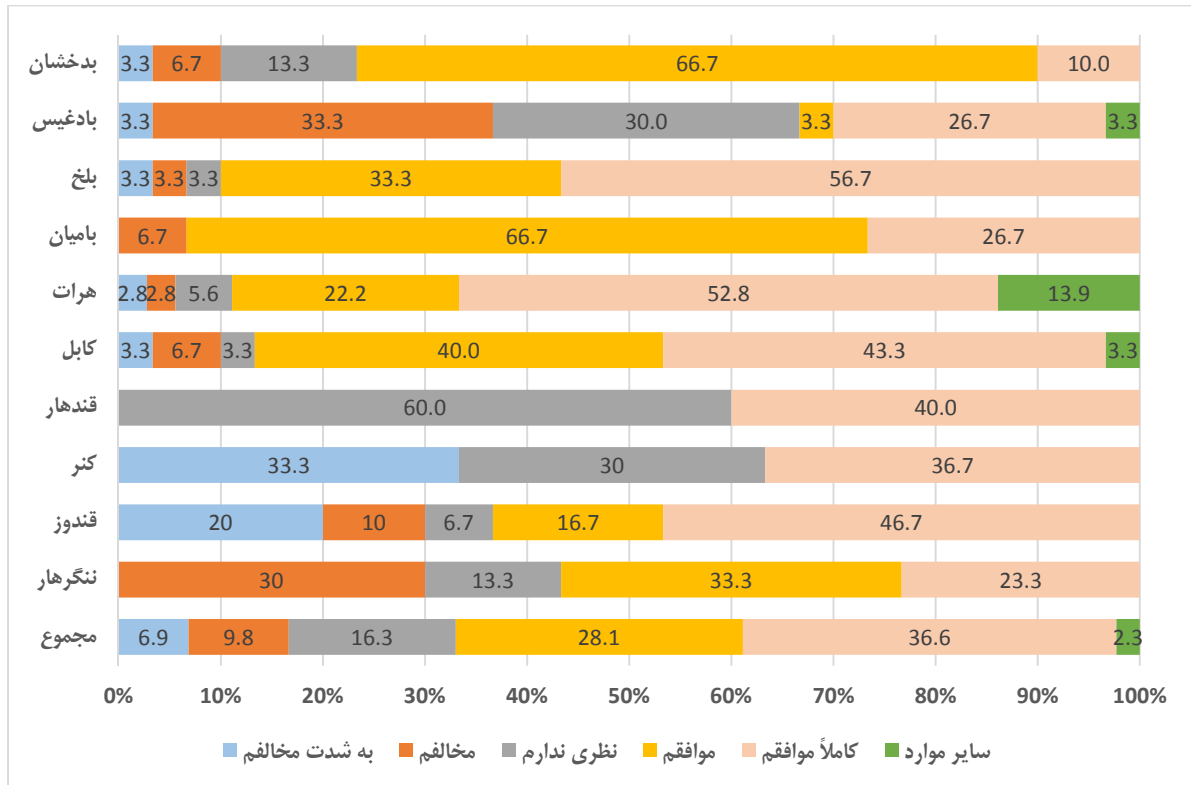
ننگرهار بر این باور بود که اگرچه ورود به توافق صلح با غیرمسلمانان مجاز است، اما با در نظر داشت احساسات واقعی مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان در افغانستان، هیچ راهی برای اعتماد مسلمانان به غیرمسلمانان وجود ندارد؛ در نتیجه و به نقل از این محصل، هر نوع توافق به معنی تسلیم شدن به غیرمسلمانان است. علاوه بر شرایط ذکر شده در رابطه با پیمان صلح، تعداد کمی از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که با توجه به عدم اعتماد میان مسلمانان و غیرمسلمانان، رسیدن به هر گونه توافق صلح در جهان امروزی غیرممکن است.

### ح) پشتیبانی از خشونت و اعمال خشونت‌آمیز علیه دولت

بنا به یک نظریه، کسانی که از آشفتگی، فساد، محرومیت و بی‌عدالتی رنج می‌برند، نباید از زور به عنوان گزینه نخست برای رسیدن به حل و فصل این مسائل استفاده کنند. با این حال، به علت کم‌کاری نهادهای دولتی در مناطق مورد تحقیق، چنین روشی به عنوان گزینه نخست از طرف پاسخگویان مطرح شده است. در ولایات تحت مطالعه این طرز فکر وجود دارد که اگر در ساختار و کردار نهادهای حکومتی مانند بخش قضا و یا نهادهای حکومتی، بی‌عدالتی و یا مواردی از ضد ارزش‌های دینی مشاهده شود، باید با روش خشن برخورد کرد. چنین طرز فکری معمولاً از جمله روش‌های عصیان‌گری گروه‌های افراطی می‌باشد که در سراسر افغانستان در میان قشر جوان در حال ترویج است.

افراد و گروه‌های افراطی زیادی در سراسر جهان اسلام وجود دارند که حملات انتحاری را به عنوان یک راه مشروع برای مبارزه در راه خدا قلمداد می‌کنند. با این حال، پیروان فرقه‌های میانه‌رو در اسلام، به شدت حملات انتحاری را ممنوع پنداشته و بر این باورند که این حملات برخلاف آموزه‌های اسلامی است. در پاسخ به اینکه آیا حملات انتحاری در اسلام تحت هر شرایطی باید ممنوع شود؟ حدود 75 درصد از پاسخ‌دهندگان با این گویه موافقت کردند؛ در حالی که 17 درصد معتقد بودند حملات انتحاری در اسلام تحت شرایط خاصی جایز است. از جمله شرایط مطرح شده، «برای دفاع از اسلام» بود. همچنین 17 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که توجیهی برای حملات انتحاری در برابر غیرمسلمانان وجود دارد. در رابطه با توجیه عمل انتحار در مقابل نیروهای امنیتی کشور، بیش از 80 درصد از پاسخ‌دهندگان با حمله انتحاری علیه نیروهای امنیتی مخالف بوده و ابراز نموده‌اند که حملات انتحاری از دیدگاه دینی در برابر نیروهای امنیت ملی افغانستان، جامعه بین‌المللی و یا در برابر افرادی که برای جامعه بین‌المللی در راستای توسعه صلح در افغانستان کار می‌کنند، توجیهی ندارد.

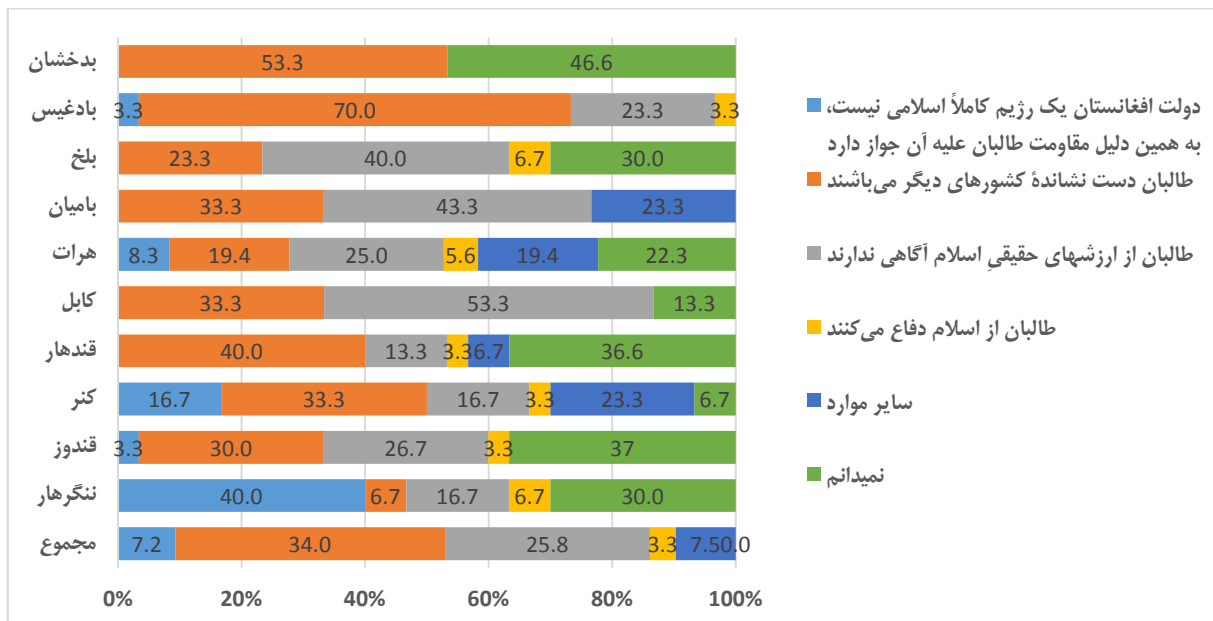
شکل 8: حملات انتحاری در تمام شرایط در اسلام نامشروع می‌باشد.



### خ) توجیه ناچیز ایدئولوژی طالبان و مقاومت در افغانستان

به صورت عموم، اکثر تفاسیر و قرائت‌های طالبان از متون و اصول اسلامی با عقاید مکتب سلفی و یا هم وهابیت مطابقت دارد. با توجه به اقدامات خشونت‌آمیز طالبان و رد نهادهای دموکراتیک توسط آنها، این سازمان یک گروه افراطی تلقی می‌شود.

شکل 9: مقاومت طالبان علیه دولت افغانستان



در زمان رژیم طالبان، عملکرد رسانه‌های آزاد، تماشای تلویزیون، رادیو و دیگر فن‌آوری‌ها و گوش دادن به موسیقی برای عموم ممنوع اعلام شده بود. علاوه بر این، در دوران حکومت طالبان، زنان از هیچ حقوقی برخوردار نبودند. در این مطالعه وقتی از معلمان مدارس و شاگردان، نسبت شیوه رفتار و طرز فکر طالبان پرسیده شد، حدود 60 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که طالبان دست‌نشانده کشورهای دیگر هستند و از ارزش‌های واقعی اسلام آگاهی ندارند. تنها 3 درصد از پاسخ‌دهندگان در تمام 10 ولایت بر این باور بودند که طالبان از اسلام دفاع می‌کنند. معلمان و شاگردان به طور گسترده‌ای بر این باورند که طالبان فقط برای رسیدن به قدرت و منافع خارجی در حال مبارزه‌اند. با این حال، برخی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند تا زمانی که طالبان در برابر جامعه بین‌المللی مبارزه می‌کنند و به افغان‌ها صدمه نمی‌رسانند، مقاومت آنها قابل توجیه است.

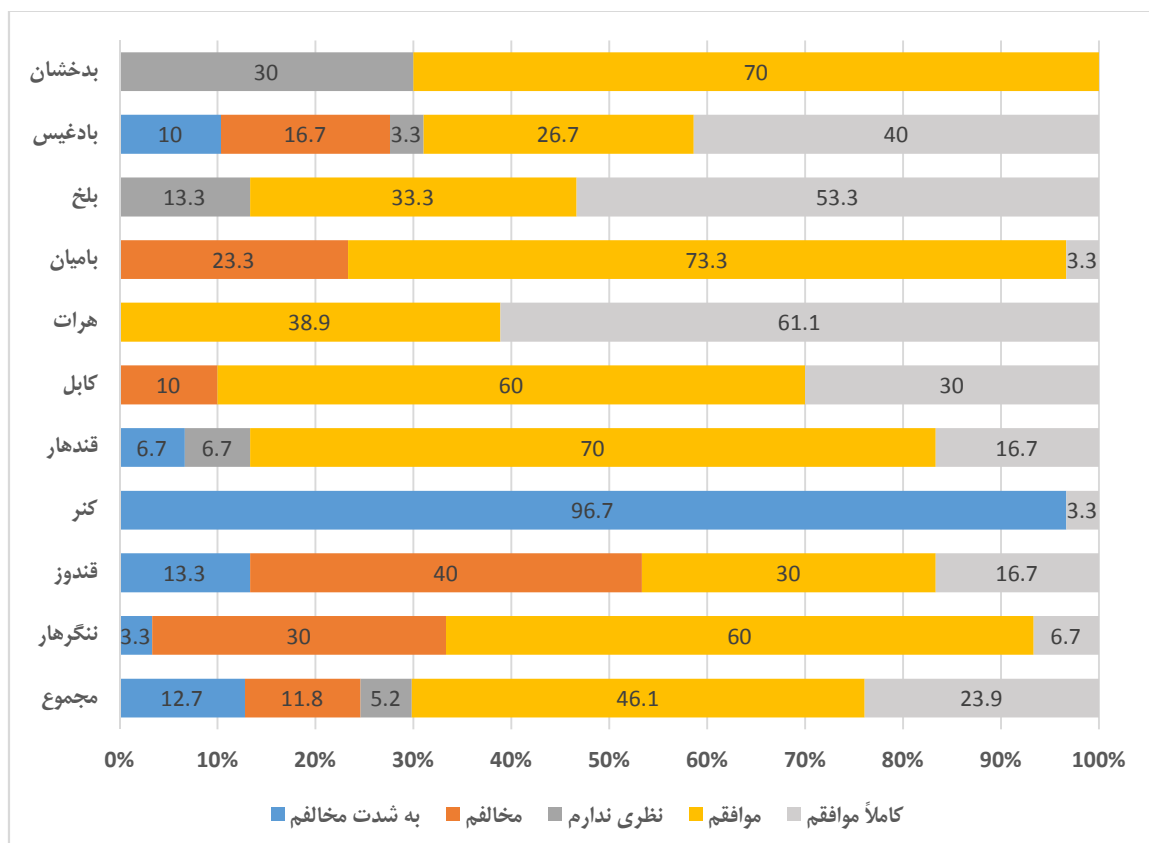
#### د) نظریات در مورد جامعه و معیارهای اجتماعی

در طی چند دهه اخیر، زنان در افغانستان از قوانین ناعادلانه‌ای که توسط گروه‌ها و جنبش‌های افراطی اسلامی که بر آنها تحمیل می‌شد، رنج می‌بردند. نحوه رفتار با زنان در طول سلطه سیاسی طالبان در افغانستان، نمونه خوبی از این مسأله است.

برای فهم طرز فکر مدرسین و طلاب مدارس دینی افغانستان، سؤالات مختلفی درباره دیدگاه آنها نسبت به موضوع جنسیت و حقوق زنان در اسلام پرسیده شد. نتایج حاصله از این پرسش‌ها نشان می‌دهد که حدود 70 درصد از شرکت‌کنندگان با این گویه که «از نظر قانون، هر کس بدون در نظر داشت جنسیت، قومیت و یا مذهب باید حقوق مساوی داشته باشد.» موافقت کردند؛ در حالی که 25 درصد به وضوح مخالف این دیدگاه بودند. به طور مشابه، اکثریت پاسخ‌دهندگان از گویه «زنان باید به آموزش‌های عالی دسترسی داشته باشند.» حمایت کردند. ولی شرط اساسی آنها بر این امر استوار بود که زنان باید تمام ارزش‌های اسلامی را رعایت کنند. اسلامی بودن فضای نهادهای آموزشی از جمله شرط‌های دیگر مطرح شده توسط پاسخگویان بود. به طور مثال، یکی از اساتید مدارس دینی از ولایت ننگرهار بر این عقیده است که چون نظام آموزشی فعلی دانشگاه‌های افغانستان ارزش‌های اسلامی را حمایت نمی‌کند، پس به همین دلیل زنان باید در خانه بمانند و به دانشگاه‌ها نروند. ولی در طیف بعدی پرسش‌ها که راجع به اولویت‌بندی آموزش زنان بود، بیش از 60 درصد از پاسخ‌دهندگان رسیدگی به امور خانه و مراقبت از فرزندان و دیگر امورات منزل را ضروری‌تر از آموزش برای زنان تلقی کردند. در عین حال، این دیدگاه که زنان باید استاد زن داشته باشند نیز در بین پاسخ‌ها قابل توجه به نظر می‌رسید.

در پاسخ به اینکه آیا زنان اجازه کار در خارج از خانه را دارند یا نه؟ بیش از 85 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که طبق حکم اسلام، زنان اجازه کار در خارج از خانه را دارند؛ اما حدود 33 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که از نظر اسلام، زنان اجازه اشتراک در فعالیت‌های سیاسی را ندارند. نظر پاسخ‌دهندگان در مورد زنانی که در سازمان‌های مختلف جامعه مدنی کار می‌کنند، مثبت بوده و بیش از 60 درصد معتقد بودند زنانی که برای سازمان‌های جامعه مدنی کار می‌کنند، سزاوار احترام‌اند. وقتی از آنها درباره ازدواج یک فرد با زنی که در دولت افغانستان و یا در سازمان‌های جامعه مدنی کار می‌کند، پرسیده شد، حدود 23 درصد از پاسخ‌دهندگان مخالفت کرده و چنین پیوندی را دچار مشکل دینی قلمداد کردند. در قسمت مقایسه حقوق زن و مرد، یافته‌های تحقیق بیان‌گر نگاه مردسالارانه پاسخگویان است. در این زمینه یکی از مدرسین از ولایت بدخشان به وضاحت ادعا می‌کند که از نظر قرآن و احادیث، مرد و زن دارای حقوق متفاوت هستند. او در ادامه بحث خود استدلال می‌کند که زنان نیمی از حقوق مردان را دارند.

شکل 10: هر شخص به اساس قانون باید دارای حقوق مساوی باشد، بدون در نظر داشت جنسیت



### ذ) تحلیل ارزش‌های دموکراتیک در مقابل ارزش‌های اسلامی

چنین تصور می‌شود که تعداد زیادی از مردم افغانستان بین ساختارهای سیاسی و دموکراتیک فعلی و

درک آنها از تضادهای تاریخی و ایدئولوژیکی بین غرب و هویت‌های اجتماعی - مذهبی‌شان تفاوت چندانی قایل نمی‌شوند. از دوران استعمار در قرن نوزدهم تا به امروز، بسیاری از افغان‌ها جهان غرب را با پرخاشگری، خصومت و بدکاری پیوند می‌دهند. تبلیغات احزاب چپ‌گرا در دوران اشغال شوروی این دیدگاه را عمیق‌تر و مستحکم‌تر ساخت. برای بسیاری از مردم افغانستان، غرب مترادف با بی‌عدالتی، فساد، فحشا و دیگر مسائل بوده و در نتیجه، خطری برای قدرت مذهبی و هویت اجتماعی مسلمانان پنداشته می‌شود.<sup>1</sup> اگرچه گروه‌ها و افراد زیادی نیز هستند که نگاه کثرت‌گرا داشته و از گفت‌وگو میان غربی‌ها و مسلمانان حمایت می‌کنند. چنین افراد و گروه‌هایی روحیه کثرت‌گرایی و هم‌پذیری را برای توسعه کشورشان لازم می‌دانند. تحلیل این تحقیق به این گونه است که حتی ممکن است سیاست‌مداران غربی از این واقعیت آگاه بوده و به دنبال تعامل با جوامع افغانی به شیوه‌ای سازنده باشند؛ ولی دریافت مردم افغانستان به گونه‌ای است که دست‌اندرکاران بین‌المللی درگیر در مسایل افغانستان، یا فهم کافی از این مسأله ندارند و یا نمی‌خواهند این برداشت‌های منفی را به شکل سازنده و پایداری تغییر دهند. علاوه بر این، بسیاری از جوانان افغان احساس می‌کنند که هویت مذهبی و اسلامی آنها توسط غرب تهدید شده؛ و ممکن است بعضی از آنها به این نتیجه برسند که رفتار خشونت‌آمیز را در حمایت از ایدئولوژی‌های افراطی اسلامی جایز بدانند.

به طور کلی، تمام گروه‌های تندرو اسلامی به شدت با معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در مورد دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زنان مخالفت دارند. به گفته آنها، شریعت اسلامی بهترین راه برای زندگی بوده و مفاهیم غربی مانند دموکراسی و حقوق بشر بعد از شریعت می‌آیند. ما از پاسخ‌دهندگانمان چندین سؤال در مورد دموکراسی و حقوق بشر پرسیدیم؛ و نزدیک به 50 درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که دموکراسی، ارزش‌های اسلامی را به چالش می‌کشد و اگر ضرورت باشد آنها خودشان از تحمیل این مسأله در جامعه جلوگیری خواهند کرد.

به طور کلی، تمام گروه‌های افراطی اسلامی با ارزش‌های نوین میانه خوبی نداشته و به نظر آنها شریعت اسلامی کامل‌ترین اصول را برای زندگی معرفی می‌کند و ارزش‌های مردم‌سالار غربی و اصول حقوقی آنها نسبت زنان را ناقض و مردود تلقی می‌کنند. وقتی از پاسخ‌دهنده‌ها راجع به هم‌خوانی اصول دموکراسی و حقوق بشر با اسلام پرسیده شد، حدود نیمی از آنها دموکراسی و حقوق بشر را برای اسلام چالش‌برانگیز

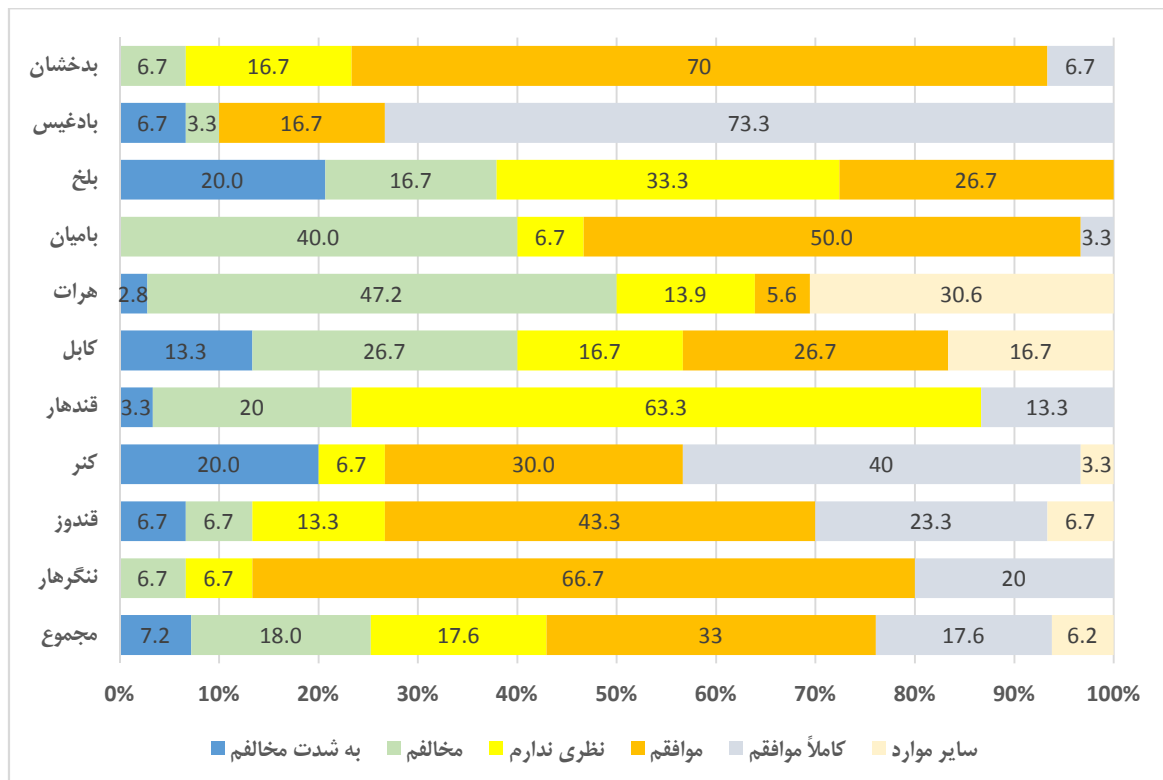
---

1. Abul A'la Maududi, Nahn Wa Al Hazarah Al Garbiyah, Darul Fikr Al-Hadees, 1987.



توصیف کرده و ادعا کردند که اگر قدرت داشته باشند، شخصاً از ورود چنین نظام‌هایی به جامعه جلوگیری می‌کنند. این تعداد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که دموکراسی محصول غرب بوده و از این رو نمی‌تواند با ارزش‌های اسلامی سازگار باشد. با این حال، حدود 35 درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در رابطه با حقوق بشر و دموکراسی، با ایجاد اندک تغییراتی می‌تواند با ارزش‌های اسلامی سازگار شود.

شکل 11: دموکراسی ارزش‌های اسلامی را به چالش می‌کشد



میزان اعتبار شهروندی و رابطه آن با دین از جمله شاخص‌های دیگری بود که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. طبق دریافت‌های این مطالعه، حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که یک فرد غیرمسلمان می‌تواند شهروند یک کشور اسلامی باشد. در حالی که حدود 36 درصد از پاسخ‌دهندگان برخلاف این قضیه باور داشتند. با توجه به استقرار حکومت اسلامی، حدود 70 درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که این وظیفه هر مسلمان است که برای ایجاد یک دولت اسلامی که ارزش‌های اساسی اسلامی را در اصولش داشته باشد، تلاش کند؛ و حدود 67 درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که اگر ضرورت باشد، آنها خودشان برای ایجاد یک نظام اسلامی دست به کار می‌شوند.

## منابع تمویل‌کننده مدارس دینی و نحوه ارتباطات بیرونی

### الف) ارتباطات مالی خارجی

شناسایی و تعیین کمیت منابع و تمویل‌کنندگان مالی خارجی مدارس دینی می‌تواند به نحوی از ساختار و طبیعت ایدئولوژیکی یک مدرسه پرده بردارد. نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که برخی از تمویل‌کنندگان در قبال مساعدت‌های مالی خود، در صدد ترویج و یا تحمیل آرمان‌های‌شان به نهادهای تمویل‌شونده باشند. بنابراین هر نوع حمایت مالی از طرف خارجی‌ها می‌تواند بر هویت و ساختار ایدئولوژیک مدرسه تحت حمایت تأثیر بگذارد. تأثیر چنین رابطه‌ای زمانی قابل سنجش است که مکانیزم مشخص و شفافی برای ارزیابی کم و کیف چنین کمک‌هایی به مدارس دینی در دسترس باشد. در حالی که چنین سیستمی در مورد مدارس غیررسمی دینی در افغانستان وجود ندارد. نبود یک سیستم نظارتی مالی برای ارزیابی تمویل‌کننده‌های مدارس دینی کشور باعث شده حدس‌وگمان‌ها در مورد تحت پوشش قرارگرفتن تعدادی از مدارس دینی توسط گروه‌های افراط‌گرا، هر روز بیشتر شود. با وجود اینکه اثبات این حدس‌وگمان‌ها مشکل به نظر می‌رسد، ولی رد آن هم خیلی منطقی به نظر نمی‌آید. اگر حدس‌وگمان‌ها در مورد حمایت مالی مدارس توسط گروه‌های افراطی درست باشد، می‌تواند خطری جدی را برای امنیت و ثبات اجتماعی کشور به وجود بیاورد. البته در گذشته حکومت‌های افغانستان یک سلسله تلاش‌هایی را در این قسمت به خرج داده بود تا مدرس را تحت کنترل در بیاورد. به طور مثال بعد از پایان سلطنت شاه امان‌الله خان در سال 1929، دولت‌های افغانی بعدی برای کنترل مدارس تلاش کردند. ولی با توجه به محدودیت سرمایه و نقدینگی، تلاش دولت‌های مرکزی در امر پرداخت هزینه‌های این مدارس محدود باقی مانده و در نتیجه، نفوذ آنها نیز بر روی این مدارس محدود باقی ماند.<sup>1</sup> دولت کنونی افغانستان نیز از این امر مستثنی نیست؛ چون مکانیزم خاص نظارتی بر کم و کیف مدارس دینی غیررسمی کشور ندارد.<sup>2</sup> این امر باعث می‌شود این مدارس دور از نظارت دولت و بدون در نظر داشت معیارهای استاندارد که منافع ملی را در نظر بگیرد، به فعالیت‌های خود ادامه دهند. فقدان چنین مقرراتی، تأثیرات منفی زیادی را روی ارزیابی دقیق‌تر روابط و هم‌بستگی این نهادها با جریان‌های افراط‌گرا می‌گذارد. در این بخش از گزارش تلاش شده تا تصویری عمومی از وضعیت مالی و تمویل‌کنندگان خارجی مدارس غیررسمی ارائه شود.

1. Pia Karlsson and Amir Mansoor, Educational Strategies among Muslims in the Context of Globalization, Brill, 2004.

2. Kaja Borchgrevink, Beyond Borders: Diversity and Transnational Links in Afghan Religious Education, PRIO, Oslo, 2010.

با وجود حساسیت بالای تحقیق روی منابع مالی مدارس دینی غیررسمی و عدم علاقه‌مندی پاسخگویان به سؤالات این‌چنینی، تعدادی از پاسخگویان یک سلسله آمار و ارقام را در این باره شریک ساخته‌اند. ولی باید این موضوع اشاره شود که ممکن است چنین پاسخ‌هایی با واقعیت‌های موجود در این زمینه تفاوت داشته باشد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش در مورد منابع اصلی حمایت مالی مدارس تحت مطالعه، اکثر پاسخگویان ادعا کردند که کمک مالی خاصی از منابع خارجی دریافت نمی‌کنند. در حالی که خیلی از تحلیل‌گران و محققین افغان مدعی‌اند که ارتباطی قوی بین مدارس و حمایت‌کنندگان خارجی وجود دارد. برخی از محققینی که مطالعاتی در مورد مدارس افغانستان انجام داده‌اند، نیز ادعا می‌کنند که این مدارس به طور سستی، کمک‌های مالی را از حامیان خارجی دریافت کرده و هنوز هم دریافت می‌کنند. با این حال، برآورد سطح این کمک‌های خارجی بسیار دشوار به نظر می‌رسد.<sup>1</sup> این مشکل به دلیل نبود قوانین و مقررات نظارتی در رابطه با مدیریت مالی مدارس دینی غیررسمی می‌باشد. این مدارس ملزم به ارائه هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد منابع مالی و یا مخارج روزانه، ماهانه و یا سالانه خود نیستند؛ و مسئولین این مدارس تنها کسانی هستند که در مورد چگونگی تولید و بعداً مصرف بودجه مربوطه تصمیم می‌گیرند.

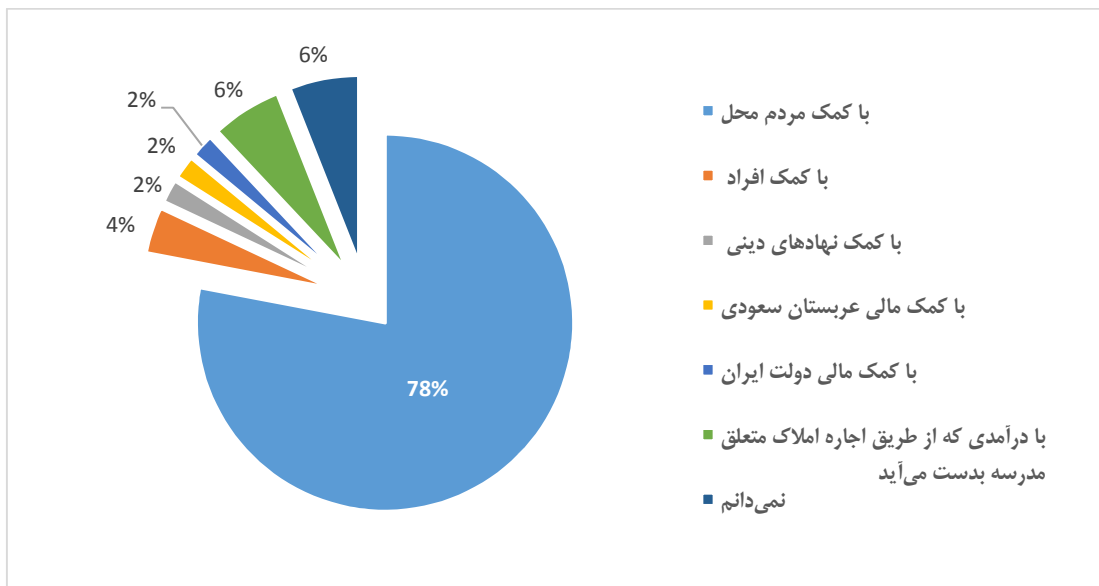
در حمایت از چنین فرضیه‌ای، محققان ساحوی این مطالعه تعداد زیادی از شاگردان این مدارس را برای جمع‌آوری کمک در کنار جاده‌هایی که ولایت‌های اصلی کشور را به هم وصل می‌کند، مشاهده کرده‌اند. این پول‌ها برای اهداف مختلفی از جمله ساخت مجدد و یا ترمیم مدارس موجود و مخارج روزانه جمع‌آوری می‌شود. ولی این امر بعید به نظر می‌رسد که بخش قابل توجه کمک‌های مالی مورد نیاز برای ساخت‌وساز مدارس از این مکانیزم‌های ساده و غیررسمی به دست آید. با وجود اینکه نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حدود 78 درصد از منابع مالی مورد نیاز مدارس از کمک‌های محلی مانند پول‌هایی که توسط شاگردان جمع‌آوری می‌شود، تهیه می‌شود، ولی بنا به اندک‌بودن منابع محلی، پذیرفتن چنین ادعایی مشکل به نظر می‌رسد و احتمال تمویل‌شدن از منابع خارجی را بیشتر تقویت می‌کند. بنابراین نباید از یافته‌های این گزارش در این قسمت، برای استدلال و تعمیم به تمام مدارس غیررسمی کشور استفاده کرد؛ و برای چنین استدلالی باید مشخصات جغرافیایی مناطقی را که مدارس دینی غیررسمی در آن وجود دارد نیز در نظر گرفت. به عنوان مثال، اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی برای پروژه‌های

---

1. Kaja Borchgrevink, 'Transnational Links of Afghanistan Madrassas: Implication for the Reform of Religious Education', *Prospect Quarterly Journal*, Volume 43, Number 1, PRIO, Oslo, 2013, Page No. 69-84.

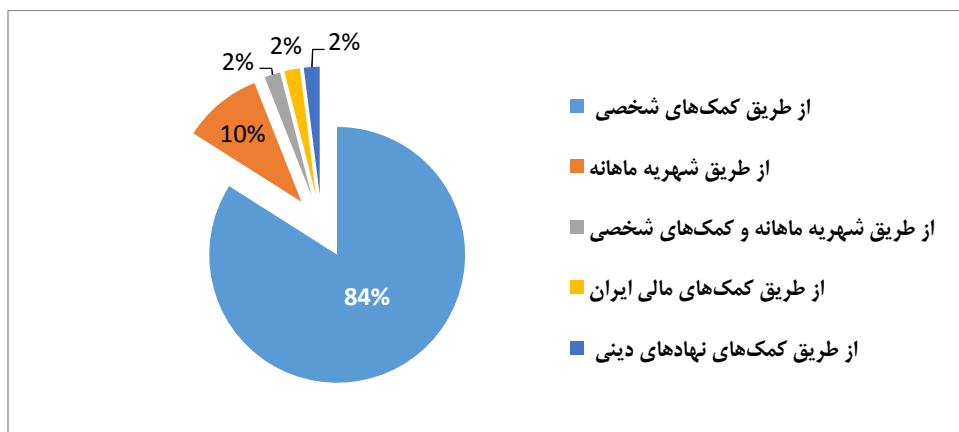
ساخت و ساز مدارس سلفی در ننگرهار، تقریباً به شکل انحصاری توسط دولت عربستان انجام شده است. احتمالاً در کابل بعضی از مدارس وابسته به اهل تشیع، توسط روابط مذهبی با ایران ساخته شده است. در سایر موارد، تعداد زیادی از مدارس با کمک‌های مالی توسط افراد بانفوذ و ثروتمند محلی ساخته شده است. مدارس غیررسمی که توسط افراد ثروتمند و بانفوذ محلی ساخته می‌شوند، نیز امکان دارد که در خطر سوءاستفادهٔ چنین افرادی برای مقاصد سیاسی و ایدئولوژیکی قرار بگیرد.

شکل 12: مجموع منابع کمک‌هایی که برای ساختن مدارس دینی افغانستان به کار برده شده است



نتایج حاصل شده می‌رساند که 84 درصد از مدارس در 10 ولایت، هزینه‌های روزانهٔ خود را توسط کمک‌های مالی افراد و جوامع محلی به دست می‌آورند؛ و حدود 10 درصد از مدارس، از شاگردان برای حفظ و ادامهٔ فعالیت مدرسه شهریه می‌گیرند. تنها یک مدرسه در ولایت بلخ تأیید کرده که آنها کمک‌های مالی خود را از مقامات مذهبی ایران دریافت می‌کنند.

شکل 13: مجموع منابع مالی که برای مصارف روزمرهٔ مدارس می‌باشد.

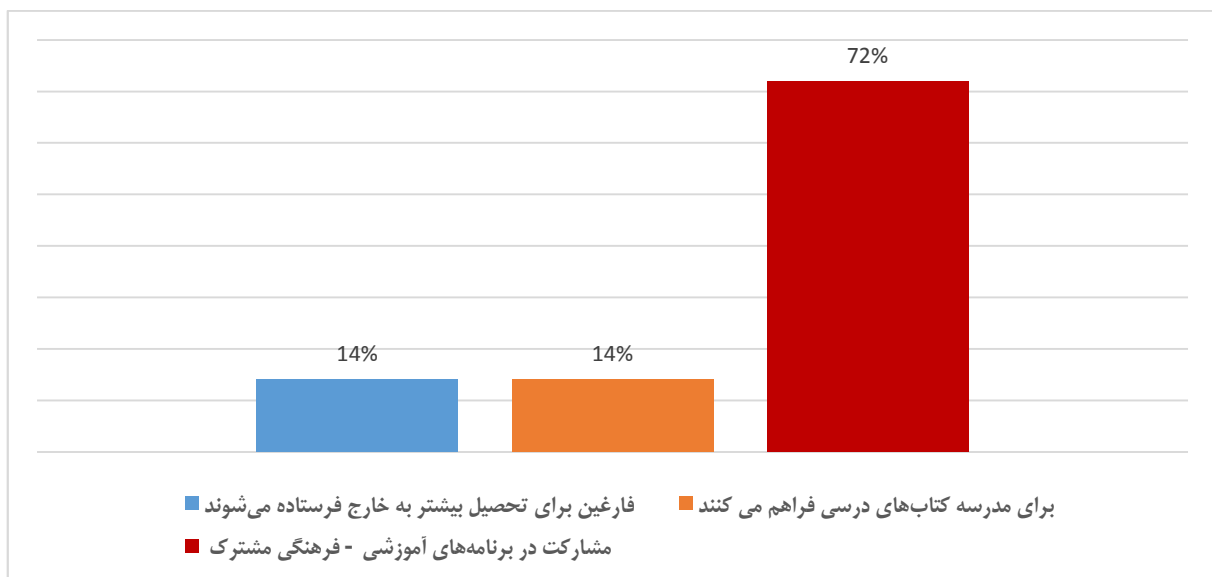


## ب) روابط غیرمالی خارجی

جنگ‌های دوام‌دار داخلی در افغانستان، به‌ویژه در سده‌های اخیر قرن گذشته، آسیب شدیدی به سیستم آموزشی وارد کرده است. زیرساخت‌های آموزشی در افغانستان در نتیجه نفوذ عناصر افراطی که از کشورهای همسایه وارد شده بودند، به شدت آسیب دیده و بی‌ثبات شده بودند. این خرابی در زمان حاکمیت طالبان به اوج خود رسیده بود. با این حال، بعد از مداخله آمریکا، نظام آموزشی در افغانستان به طور کلی بهبود یافته است.

قبل از سال 2001، وزارت معارف عملکرد قابل قبولی نداشت. ساخت‌وساز مکاتب جدید بسیار اندک بوده و تحصیل دختران و زنان بسیار اندک بود.<sup>1</sup> با وجود این پیشرفت‌ها، سیاسی‌سازی ایدئولوژی‌های مذهبی، رفتارهای سودجویانه و سایر مشکلاتی که مرتبط با تغییرات رژیم بود، از دستیابی مراکز آموزش دینی به سطوح بالای بهره‌وری جلوگیری شده است.

شکل 14: میزان ارتباطات بین مدارس افغانستان و نهادهای آموزشی و دینی خارجی



ضعف در حکومت‌داری، وجود مشکلات امنیتی، کمبود منابع و شکاف موجود بین مدارس و نهادهای دولتی در ولایات مطالعه‌شده، نشان می‌دهد که از هم‌پاشیدگی و ظرفیت کم این نهادها، سیستم آموزشی مدارس دینی را هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر مواد درسی به خارج متمایل می‌کند. مطالعات

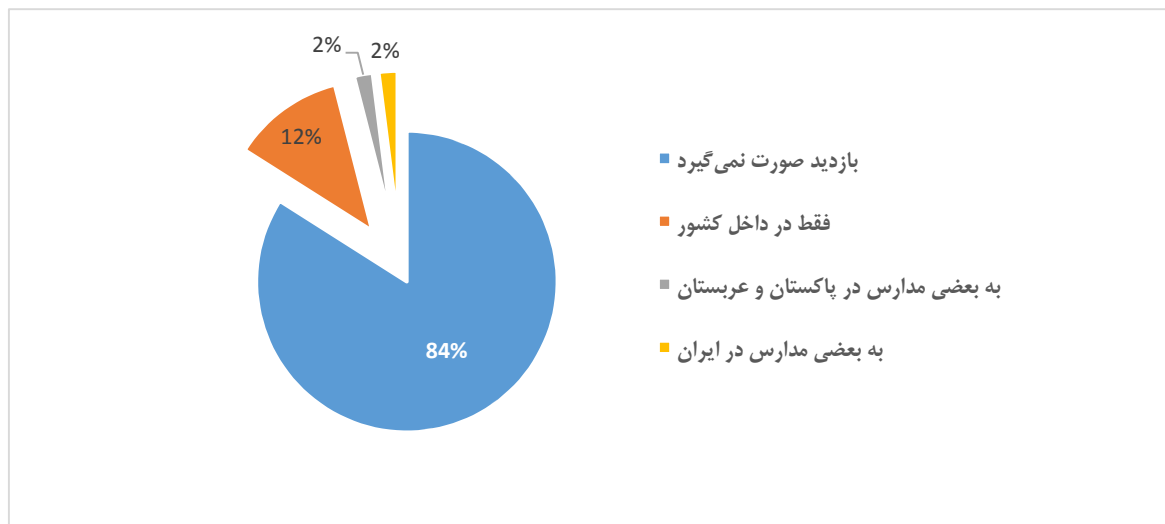
1. از سال 2001 به بعد، وزارت معارف افغانستان با حمایت نهاد ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی و بقیه مساعدت‌کنندگان، موفق به ساخت 13000 مکتب و تربیت بیش از 186000 معلم شده. میزان ثبت‌نام اطفال واجد شرایط 56 درصد افزایش داشته و امروز بیش از هشت میلیون شاگرد مصروف تعلیم هستند که از این تعداد دو و نیم میلیون آن را دختران تشکیل می‌دهند.

Source: USAID official website: <https://www.usaid.gov/afghanistan/education>, Accessed on September 03, 2015

انجام شده در این 10 ولایت نشان می‌دهد که جوانانی از فرقه‌های مختلف علاقه‌مند به ادامه آموزش در خارج از کشور شده و بعد از برگشت، به سفیران فرهنگی کشورهایی که در آنجا تحصیل کرده‌اند، تبدیل می‌شوند.

همچنین در این مطالعه نزدیک به 86 درصد از مدارس ادعا می‌کنند که هیچ ارتباطی با مدارس خارج از افغانستان نداشته و به شکل مستقل در افغانستان فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد مدارس اهل تشیع در مقایسه با مدارس اهل سنت، ارتباطاتی نسبتاً بیشتر با مدارس خارج از کشور داشته باشند. از جمله 14 درصد از مدارس با مدارس دینی خارج از کشور ارتباط دارند. تعدادی از مدارس دینی اهل تشیع هم ادعا دارند که بعضی از دانشجویان‌شان برای ادامه تحصیل به ایران فرستاده می‌شوند. حدود 10 درصد از مدارس ادعا کرده‌اند با خارج از کشور ارتباط دارند، علاوه بر فرستادن دانشجو یا دریافت کمک مالی، در برنامه‌های مشترک فرهنگی و آموزشی نیز اشتراک می‌کنند. این در حالی است که هیچ یک از مدارس دینی افغانستان، تحصیلات عالی دینی را تدریس نمی‌کنند. و این به یک سنت طولانی مدت در بین شاگردان مدارس تبدیل شده که برای تحصیلات عالی در یک مدرسه خوش نام‌ونشان، به بیرون از کشور سفر کنند.<sup>1</sup>

شکل 15: تبادل بازدید توسط شاگردان به مدارس در داخل و خارج از افغانستان



در پاسخ به این سؤال که آیا استادان مدارس برای طلاب برنامه‌های مبادله‌ای ترتیب می‌دهند یا نه؟ 84 درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که مدرسه آنها هیچ‌گونه برنامه تبادل شاگرد ندارد. از 50 مدرسه تحت پوشش این مطالعه، تنها 6 مدرسه ادعا کردند که برنامه‌هایی را برای تبادل شاگرد در داخل افغانستان، تسهیل

1. Kaja Borchgrevink, 'Transnational Links of Afghanistan Madrassas: Implication for the Reform of Religious Education', *Prospect Quarterly Journal*, Volume 43, Number 1, PRIO, Oslo, 2013, Page No. 69-84

نموده‌اند؛ در حالی که دو مدرسه در کابل چنین برنامه‌هایی را با مدارس پاکستان، عربستان و ایران تسهیل نموده‌اند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از مدارس، داشتن هر نوع ارتباطات با مدارس خارج از کشور را انکار می‌کنند؛ ولی نمی‌شود این تبصره را پذیرفت که جریان‌های ایدئولوژیکی و باورهای اجتماعی - سیاسی خارجی روی مدارس دینی کشور تأثیر ندارند. چنانکه در مقدمه بیان شد، افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی افغانستان، به دلیل وجود طلاب افغانی که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، یک واقعیت است. چون افغانستان تعداد اندکی عالمان دینی دارد که در داخل کشور تحصیل کرده باشند. به طور نمونه هم اسلام‌گرایان افراطی داخلی و هم گروه طالبان، ایدئولوژی‌های افراطی‌شان را از متون و منابع خارجی گرفته‌اند.<sup>1</sup>

در مدارس افغانستان در مقایسه با کشورهای دیگر، سیستم‌های نوین و پیشرفته آموزشی، غیرمعمول و اساساً ضعیف می‌باشد. با توجه به وابستگی طلاب به فرقه‌های متفاوت دینی، بسیاری از آنها تحصیلات عالی‌تر را در کشورهای ایران، پاکستان و عربستان سعودی انتخاب می‌کنند. آنها پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان مدرس، مفتی، عالم دین و واعظ نماز جمعه با آوردن تفسیرهای متفاوت از اسلام و برنامه‌ها و روش‌های تدریسی جدید، به افغانستان برمی‌گردند.

در نتیجه، این تحقیق ادعا نمی‌کند که طلابی که در خارج آموزش دیده‌اند، لزوماً افراطی هستند و یا تهدیدی برای امنیت کشور می‌باشند. در حالی که نمی‌شود این استدلال را نادیده گرفت که تأثیرپذیری طلاب از نهادهای آموزشی خارجی که در آنها مصروف تحصیل‌اند، می‌تواند وجود داشته باشد.

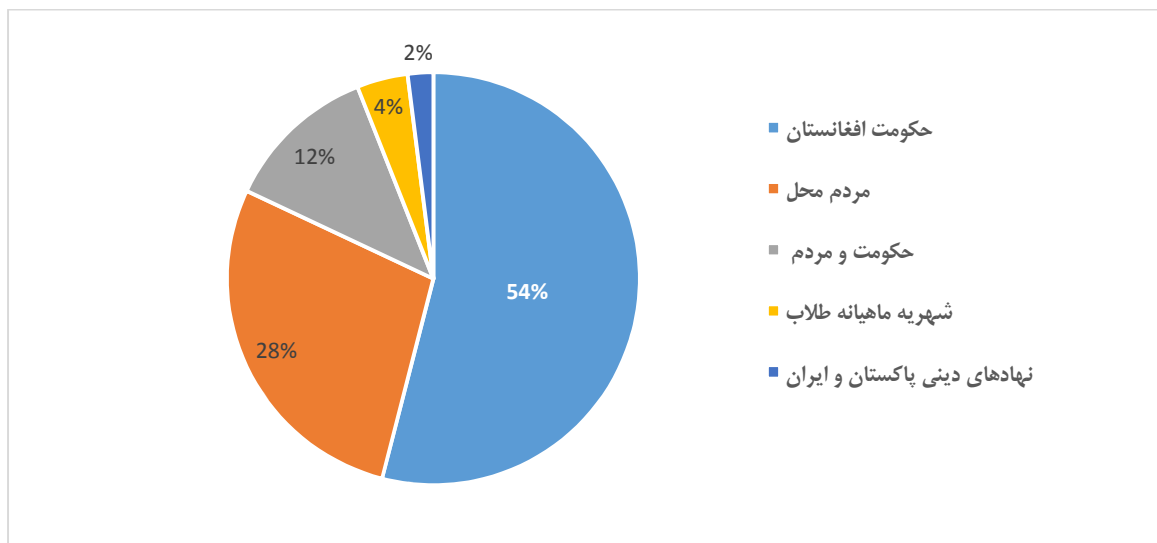
از دیدگاه نظری، مبارزه مؤثر و ریشه‌کن‌سازی ایدئولوژی افراطی باعث افزایش مدارا و تحمل در بین مردم می‌شود. همچنین این ریشه‌کن‌سازی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای شود که با این مسأله دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بنابراین می‌شود گفت که کاهش وابستگی‌های مالی و مدیریتی مدارس از نهادهای خارجی و اتکای مدارس به نهادهای دولتی می‌تواند در امر مبارزه مؤثر با ریشه‌کن‌سازی جریان‌های افراطی کمک کند. مهم‌ترین تأثیر مثبت نظارت دقیق بر کم و کیف مدارس دینی کشور توسط دولت این است که این نهادها نه تنها به تهدیدی ملی تبدیل نمی‌شوند، بلکه می‌توانند نقش مهمی در توسعه نیروی انسانی کشور ایفا کنند. خوشبختانه در نتایج این تحقیق، چنین نیتی که دولت افغانستان به عنوان منبع

---

1. Oliver Roy, *Afghanistan: From Holy War to Civil War*, Darwin Press, Princeton - New Jersey, 1995.

تمویل‌کننده مدارس دینی باشد، پررنگ به نظر می‌رسد. در همین راستا 54 درصد از اساتید مدارس تحت پوشش گفته‌اند از نظر آنها، نهاد تمویل‌کننده ایدئال برای مدارس دینی، دولت افغانستان است. با این حال، تعدادی از پاسخ‌دهندگان قبل از قبول کردن هر گونه کمک مالی از طرف دولت، شرایطی را بیان کردند. از طرف دیگر، حدود 28 درصد از رهبری مدارس ترجیح می‌دهند که مدارس خود را فقط از طریق کمک‌های مالی محلی فعال نگه دارند. مدارس دیگری نیز وجود داشتند که دریافت حمایت‌های مالی از مدارس غیررسمی ایران و پاکستان را ترجیح می‌دادند.

شکل 16: منابع تمویل‌کننده مدارس که مورد پسند مقامات مدارس می‌باشد



چالش‌های داخلی و ضعف نهادهای حکومتی در یک دهه اخیر، روند توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور را دچار مشکلات جدی ساخته و باعث شده گروه‌ها و افراد برای اهداف شخصی‌شان وارد کارزار شوند. در نتیجه طالبان، شبکه حقانی و دیگر عناصر ضددولتی، از نهادهای دینی به عنوان ابزاری قوی برای بسیج عمومی در سراسر کشور استفاده کنند.

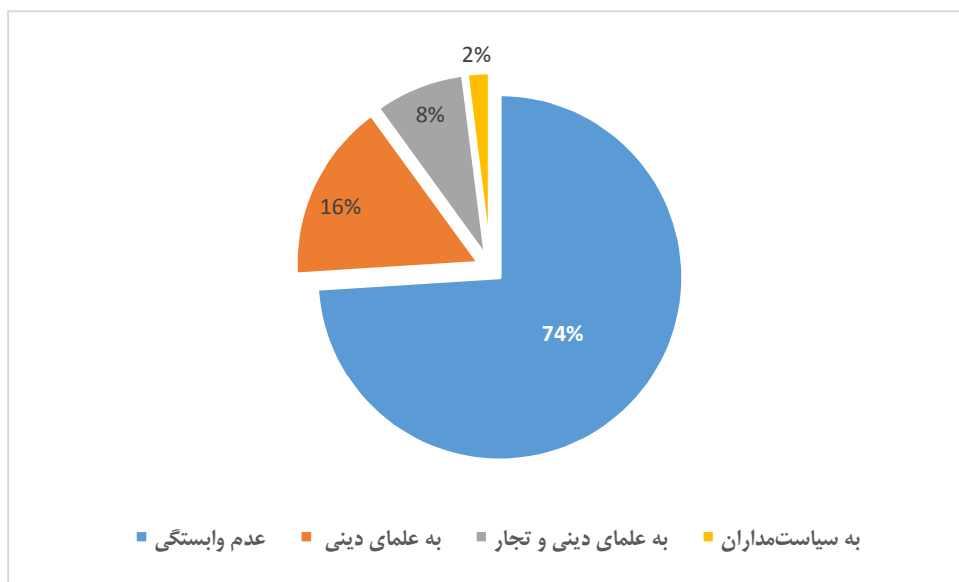
از 50 مدرسه تحت پوشش تحقیق در 10 ولایت، هیچ یک از آنها وجود رابطه یا وابستگی به احزاب سیاسی تأیید نکردند؛ و 74 درصد از مسئولین مدارس گفتند که هیچ وابستگی رسمی‌ای با رهبران مذهبی، افراد یا تجارت‌پیشه‌های افغانستان ندارند. تعدادی از اساتید مدارس تحت مطالعه با شکوه از وضعیت خراب کشور از قبیل بی‌عدالتی و قتل و کشتار، اذعان داشتند که ترجیح می‌دهند مدارس‌شان فعالیت‌های عادی خود را به دور از سیاست و پارتی‌بازی ادامه دهند.

به طور مثال، تعداد محدودی از مدارس وابسته به اهل تشیع، داشتن ارتباط با رهبران مذهبی و بازرگانان را تأیید کردند. این در حالی است که مدارس دینی تحت پوشش در ننگرهار و کنر که به افکار سفلی و



وهایی تمایل دارند، از پاسخ دقیق به این سؤالات ظفره رفتند. ولی در سطح کلی، مقامات مدارس دل خوشی از سیاستمداران نداشته و آنها را قابل اعتماد نمی‌دانند. با توجه به عدم پاسخگویی دقیق از طرف افراد مورد مطالعه، یافتن ارتباط بین سیاستمداران و مقامات مدرسه مشکل به نظر می‌رسد.

شکل 17: وابستگی به سیاستمداران، تاجران و رهبران دینی



### ت) پشتیبانی توسط دولت‌های دیگر

به گفته تمام پاسخ‌دهندگان، هیچ یک از مدارس مورد مطالعه در این تحقیق، از طرف دولت‌های همسایه یا دیگر کشورها حمایت نمی‌شوند. ولی امکان تمویل مدارس دینی توسط بعضی کشورها وجود دارد که هر دو طرف قضیه به دلیل حساسیت‌زا بودن آن، نمی‌خواهند این موضوع علنی شود.

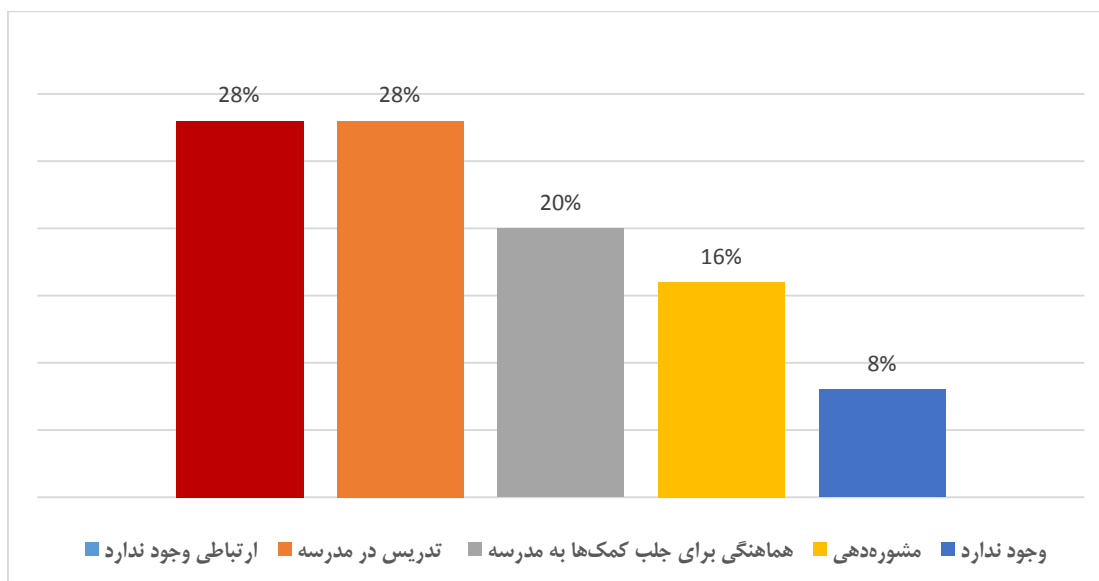
### ث) نفوذ حامیان

هیچ پاسخ‌دهنده‌ای، دریافت همکاری به دلیل طراحی مواد درسی و برنامه‌های سازمانی مدرسه را تصدیق نکرد.

### ج) شبکه‌های ارتباطی با فارغ‌التحصیلان مدارس

در مورد اینکه آیا مقامات مدارس با فارغ‌التحصیلان‌شان در ارتباط بوده و توسط آنها حمایت می‌شوند، مشخص شد که 28 درصد از مدارس هیچ نوع ارتباطی با فارغ‌التحصیلان خود ندارند؛ در حالی که 28 درصد دیگر، از طلاب سابق خود با عنوان استاد استفاده می‌کنند و حدود 20 درصد دیگر از طریق شاگردان سابق خود برای بسط ارتباط و جمع‌آوری کمک استفاده می‌کنند.

شکل 18: ارتباطات با فارغین مدارس



### چ) پذیرش پول مواد مخدر به عنوان کمک

یکی از باورهای رسمی در دین اسلام بر این امر استوار است که اگر کسی به یک نهاد دینی مانند مسجد و یا مدرسه غیررسمی کمک مالی کند از اجر الهی سود برده و بعضی گناهانش بخشید می‌شود. بنابراین بعضی از قاچاقچیان مواد مخدر بر این باورند که اگر به عنوان صدقه مقداری پول به یک مدرسه دینی بدهند، فعالیت‌های غیرقانونی‌شان توجیه دینی می‌شود؛ ولی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که همه پاسخ‌دهندگان، تولید و قاچاق مواد مخدر را از نظر اسلام حرام دانسته و معتقدند که درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر از نظر اسلام حرام است و نمی‌توان از آن برای یک مدرسه دینی استفاده کرد.

### ح) جنبه‌های اساسی برنامه درسی

به طور سنتی در افغانستان چهار نوع نهاد آموزشی اسلامی وجود دارد که شامل مساجد، مدارس سنتی ابتدایی، مدارس سنتی ثانوی و مدارس نوین می‌شود.<sup>1</sup> هدف اصلی تمام این نهادها، آموزش و پرورش دینی است. نوع متون و مواد درسی و روش‌های تدریس در این نهادها تأثیر مهمی در شکل‌گیری ایده‌های شاگردان این مدارس دارد. برخلاف مکاتب تعلیمی جدید، گزینش مواد درسی و شیوه تدریس توسط مدرسین از جمله شاخصه‌های اساسی مدارس دینی را تعیین می‌کند. جهت ارائه تصویر مشخصی از ایدئولوژی‌های حاکم در چنین مدرسی، نظارت و ارزیابی موارد یادشده ضروری است.

1. Pia Karlsson and Amir Mansoor, Educational Strategies among Muslims in the Context of Globalization, Brill, 2004.

اکثریت مواد درسی که توسط مدارس دینی غیررسمی استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که آنها از یک طرف با مضامین علمی و دینی امروزی هم‌خوانی ندارد؛ و از طرف دیگر، پاسخ‌های مناسبی را برای بحث‌های معرفت‌شناختی، اخلاقی و ایدئولوژیکی که محصلین امروزی ممکن است با آن روبه‌رو شوند، در خود ندارد.<sup>1</sup>

شکل 19: سروی کتاب‌هایی که در این مدارس استفاده می‌شود.

متون آموزشی تفسیر، عقاید، فقه و اصول فقه در مدارس دینی <sup>2</sup>			
نام کتاب	مؤلف	مقطع تدریس	تاریخ تقریبی نگارش
<b>کتاب‌های تفسیر</b>			
الجلالین	جلال‌الدین محلی (م 864 هـ) و جلال‌الدین سیوطی (م 911 هـ)	صنوف 11 و 12 مدارس دینی و سمستر سوم و چهارم شرعیات	نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم هـ
مدارک التنزیل	عبدالله بن احمد النسفی (م 710 هـ)	صنوف 13 و 14 مدارس دینی و سمستر پنجم و ششم شرعیات	نیمه دوم قرن هفتم هـ
انوار التنزیل	عبدالله بن عمر البیضاوی (م 685 هـ)	صنف 14 مدارس دینی	نیمه دوم قرن هفتم هـ
<b>کتاب‌های عقاید</b>			
فقه اکبر	منسوب به امام ابوحنیفه (م 150 هـ)	صنف 7 مدارس دینی	نیمه اول قرن دوم هـ
شرح العقائد النسفیة	سعدالدین التفتازانی (م 792 هـ)	سمستر اول صنف 14 مدارس	نیمه دوم قرن هشتم هـ
حاشیه الخیالی	شمس‌الدین الرومی الحنفی (م 870 هـ)	سمستر دوم صنف 14 مدارس	نیمه اول یا دوم قرن
شرح العقیده الطحاویة	ابن ابی‌العز الدمشقی (م 792 هـ)	سه سمستر در شرعیات	نیمه دوم قرن هشتم هـ
<b>کتاب‌های فقه</b>			
مختصر القدوری	احمد بن محمد القدوری (م 428 هـ)	صنوف 7 و 8 مدارس دینی	نیمه اول قرن پنجم هـ
کنز الدقائق	عبدالله بن احمد النسفی (م 710 هـ)	صنوف 9 و 10 مدارس دینی	نیمه دوم قرن هفتم هـ
الهدایة فی شرح البدایة	علی بن ابی‌بکر المرغینانی (م 593 هـ)	صنوف 12 تا 14 مدارس دینی <sup>3</sup>	نیمه دوم قرن ششم هـ
<b>کتاب‌های اصول فقه</b>			
اصول الشاشی	نظام‌الدین الشاشی (م 344 هـ)	صنف 9 مدارس دینی	نیمه اول قرن چهارم هـ
نور الانوار	ملاجیون الحنفی (م 1130 هـ)	صنوف 12 و 13 مدارس دینی <sup>4</sup>	نیمه اول قرن دوازدهم
منتخب الحسامی	حسام‌الدین الاخسیکتی (م 644 هـ)	سمستر اول صنف 14 مدارس	نیمه اول قرن هفتم هـ
التلویح علی التوضیح	سعدالدین التفتازانی (م 792 هـ)	سمستر دوم صنف 14 مدارس	نیمه دوم قرن هشتم هـ

1. چنانچه از شکل 19 پیدا و هویداست، اکثریت مطلق متون درسی عقاید، تفسیر، فقه و اصول فقه که قطعاً در شکل‌دهی ذهنیت ایدئولوژیک طلاب علوم دینی نقشی مؤثر ایفا می‌کنند، زاده قرون چهارم تا هشتم هجری قمری بوده و هر کدام در افق تاریخی‌ای خاص و در مقام پاسخگویی به نیازهایی متفاوت تدوین شده‌اند.
2. در این زمینه بنگرید به: «نصاب تعلیمی و مضامین درسی صنوف اول تا چهاردهم مدارس تعلیمات اسلامی».
3. هدایه نخست در مدرسه و سپس مکرراً در شرعیات تدریس می‌شود.
4. نور الانوار نیز مکرراً در شرعیات تدریس می‌شود.

جدا از اینکه این مواد درسی پاسخگوی نیازهای امروزی نیستند، این مسأله نیز در مورد آنها صدق می‌کند که طی دوران‌های گذشته و حتی حال، اکثر نهادهای آموزشی این مواد درسی را به طور تکراری به شاگردان تدریس می‌کنند؛ و جالب‌تر از آن، این است که این مواد به طور تکراری در نهادهای تحصیلات عالی کشور نیز تحت عنوان مضمون ثقافت اسلامی تدریس می‌شود.

استراتژی‌های معمول مبارزه علیه رادیکالیسم در نهادهای آموزشی دینی شاید خیلی کارساز نباشد؛ چون روابط بین استاد و شاگرد در نهادهای تحصیلی جدید مانند مکاتب و دانشگاه‌ها با نهادهای آموزشی دینی تفاوت زیادی دارد. چنانکه در مدارس دینی، معلمان علاوه بر تدریس، به عنوان راهنمای امور مذهبی نیز عمل کرده و شاگردان با آنها به عنوان نماینده پیامبر اسلام رفتار می‌کنند. همچنین اکثریت استادان مدارس دینی به خاطر عدم دریافت وجه مالی به‌خصوص از شاگردان، به خودشان این حق را می‌دهند تا شاگردان را در موضوعات خارج از مواد درسی نیز توصیه اخلاقی کنند. اضافه بر این، اطاعت در صنف نشانه تدریس درست و برای بعضی‌ها یک پیش‌شرط برای عالم‌شدن است. چنین رابطه نزدیک و مستقیم بین شاگرد و استاد، فرصت‌های مناسب مبارزه با افکار افراطی را فراهم می‌سازد. ولی در عین حال و در صورت عدم نظارت و دقت در شناسایی مدرسین دینی، چنین رابطه تنگاتنگی بین استاد و شاگرد می‌تواند به راحتی زمینه‌ساز رشد باورهای افراطی باشد. علاوه بر این، اطاعت و احترام مدرسین و علمای دینی در بیرون از چارچوب مدارس نیز معمول است. اعضای جامعه به شمول نماینده‌های دولت به ندرت یک رهبر دینی را مورد مؤاخذه و بی‌احترامی قرار می‌دهند. برعلاوه، شاگردان مدرسه به طور مدام به رهنمودهای معلمان‌شان حتی بیرون از صنوف درسی عمل می‌کنند. دقیقاً چنین ارزش‌هایی بود که رهبران طالبان را در جذب نیرو برای مبارزه با شوروی موفق ساخت.

شاگردان مدرسه از لحاظ اجتماعی و میزان آموزش به دو دسته پایین‌رتبه و بالارته تقسیم‌بندی می‌شوند. شاگردان بالارته به عنوان دستیار استادان عمل کرده و انتظار احترام از طرف شاگردان پایین‌رتبه را دارند. شاگردانی که به مراحل بالاتر درسی می‌رسند، می‌توانند مسئولیت تدریس مراحل ابتدایی را بر عهده بگیرند. چنین طبقه‌بندی اجتماعی در مدارس دینی افغانستان خیلی شایع است. از آنجایی که اکثر جوانان افغانی که به مدارس دینی رجوع می‌کنند از یک فضای بسته و فقیر اجتماعی می‌آیند، تقریباً همه آموزه‌های آموخته از مدارس دینی را به طور تمام عیار در زندگی خود پیاده می‌کنند؛ که این امر آسیب‌پذیری طلاب علوم دینی افغان را بیشتر می‌کند.

مواد درسی مدارس دینی خصوصاً مدارس غیررسمی، یک فرم مشخص را تعقیب نمی‌کند. برعلاوه، مواد

درسی مدارس سرروی شده، بر اساس اصول اجتماعی قرون 7 و 8 هجری استوارند. تعدادی از مواد درسی استفاده شده در مدارس، مربوط به متونی است که در مدارس ناظمیه استفاده شده یا توسط شاه ولی الله ترتیب و در مدارس مکاتب دیوبندی استفاده می شود. این در حالی است که در متون مکاتب دیوبندی به علوم عقلی مانند فلسفه، منطق و ریاضیات چندان اهمیتی نمی دهند؛ و کوشش می کنند تا موضوعات این چینی را در مواد درسی شان کم رنگ کنند. آنها حتی مضامین مربوط به مطالعات عرب شناسی را حذف کرده و به جای آن بر مضامین ناب دینی مثل فقه، قواعد فقه، حدیث و تفسیر ایدئولوژی تمرکز می کنند. در حالی که در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان که تأثیرات مکاتب دیوبندی نسبتاً کمتر است، علوم دیگری مثل علم معنی، فصاحت و بلاغت، عروض، منطق، فلسفه، ریاضیات قدیم و هندسه به همراه مضامین دینی تدریس می شود.<sup>1</sup> اخیراً و بعد از پیشرفت تکنولوژی زیربنایی در جهان اسلام، بعضی از مدارس کوشش می کنند مواد درسی خود را نسبتاً از طریق تأکید بر علوم کلاسیک اصلاح کنند. به هر حال، این بررسی نشان می دهد که این اصلاح نه جهانی بوده و نه طریقه اساسی تدریس را تغییر داده است.

روش های تدریس در اکثریت مدارس به جای روش شاگردمحور، استادمحور است که برگرفته از متون و روش قدیم بوده و مبتنی بر توانایی طلاب به حفظ و درک مواد درسی است. در مدارس تحت پوشش این تحقیق، به طور معمول به نظر می رسد که به جای منابع متنوع، از یک نوشته مشخص استفاده می شود. به طور عموم به جای خواسته های شاگردان، تعلیم و تربیت بر اولویت های استادان متمرکز است. بر علاوه در ساختاری آموزشی این مدارس، بحث های انتقادی و تشویق شاگردان در جهت تغییر افکار دیده نمی شود.

جهت تشویق شاگردان به منظور فراگیری درس، معمولاً استادان و شاگردان به نحوه ای با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند که مدرسین، خودشان را از جمله وارثین و مبلغین سنت پیامبر پنداشته و خود را مکلف به پیاده سازی آموزه های دینی می دانند. تعداد زیادی از شاگردان تحت پوشش این تحقیق، این نظریه را جدی پنداشته و بر این باورند که آنها برای چنین امری در مقابل خداوند پاسخگو هستند. جهت توفیق و ماندگاری چنین نحوه ارتباط شاگرد و استاد، بر این موضوع هم در بحث های عمومی مدرسین و هم در متون تدریسی تأکید می شود.

یکی از روش های بزرگ ترویج و تبلیغ سنتی، خطبه نماز جمعه است. در افغانستان در حالی که خطبه به عربی خوانده می شود، خطیب جمعه معمولاً یک پیام فردی در وسط و یا آخر خطبه اضافه می کند. طبق

---

1. Misbahullah Abdul Baqi, 'Madrassas in Afghanistan: Evolution and its Future', *Policy Perspectives*, Vol. 5, No. 2. Islamabad: Institute of Policy Studies, 2008.

طریقت شرعی این رسم دینی، خطیب باید آموخته‌های اسلامی را انتقال بدهد. ولی در واقعیت امر، امروزه در نمازهای جمعه بیشتر به موضوعات سیاسی و اجتماعی پرداخته می‌شود. نماز جمعه فرصتی است تا سخنرانان به انتقاد از باورهای دیگرانی بپردازند که آنها به باورهای خطیبان جمعه معتقد نیستند. در بعضی موارد، در بخش‌هایی از سخنرانی به مسائل و ایده‌های دین در مقابل سکولاریزم پرداخته می‌شود. علاوه بر ابزارهای سنتی تبلیغ دینی، همراه با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، از رسانه‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی نیز در جهت نشر خطبه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شود. آگاهی‌دادن از طریق تلویزیون بیشتر از پیش جهت تبلیغ پیام‌های سیاسی و اجتماعی رایج شده است. در واقع از رسانه‌های اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی برای رساندن پیام این خطبه‌ها به جمعیت وسیعی از مردم استفاده می‌شود. طبق این بررسی، چنین رسانه‌هایی در رساندن پیام به مخاطبان در ولایت‌های مورد مطالعه نقش مهمی دارند. به طور مثال، می‌توان دسترسی به تفسیر قرآن توسط ابوالاعلی مودودی که به عنوان منبع اصلی انتشار ایدئولوژی بنیادگرایانه در افغانستان و مناطق دیگر به شمار می‌رود، از طریق تکنولوژی نوین ارتباطاتی بیشتر شده است. از طرف دیگر، نقش اینترنت در تبادل و انتقال پیام‌های دینی نیز بین مدارس غیررسمی معمول شده است. بعد از ترویج استفاده از موبایل‌های هوشمند، این ابزار به خاطر هزینه اندک و دسترسی آسان، روش خوبی برای این هدف است. به همین خاطر این احتمال وجود دارد که مدارس غیررسمی با کمک‌های مالی بزرگ بتوانند از این تکنولوژی جهت گسترش پیام‌های رادیکال دینی استفاده کنند.<sup>1</sup>

## نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

نتایج تحقیقات اخیر با وجود روایت‌های متفاوت در مورد نقش و کارکرد مدارس دینی در افغانستان، این مطلب را تا حدودی تأیید می‌کند که بعضی از مدارس دینی کشور، توسعه و انتشار باورهای رادیکال و افراطی را تشویق کرده و گسترش می‌دهند. تقریباً مشابه مطالعه‌ای که خانم بورچ گریونیک (2010-2013) با هدف بررسی روند افراط‌گرایی انجام داده بود، این تحقیق تلاش کرده تا 50 مدرسه دینی غیررسمی در 10 ولایت کشور را مطالعه نموده و نقش این مدارس در انتشار ایدئولوژی‌های افراطی را تجزیه و تحلیل کند. همچنین این تحقیق سعی کرده است روی مسائلی که بین نهادهای دینی، جامعه مدنی و دولت

---

1. چون در این تحقیق درباره نقش و تأثیر اینترنت و رسانه‌های جدید در ترویج و تبادل افکار دینی افراطی به شکل خلاصه و گذرا بحث شده، لذا برای فهم دقیق‌تر این موضوع بهتر است به تحقیق دیگر انستیتوت درباره بررسی جریان‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی که در آینده نزدیک نشر خواهد شد، رجوع شود.

افغانستان وجود دارد، روشنی بیاندازد. در نهایت، این مطالعه تلاش کرده تا بازتعریفی از وضعیت و عوامل جریان‌های رادیکال در ساختار سازمانی و عملیاتی مدارس غیررسمی افغانستان ارائه داده و راجع به توجهات دینی رفتار افراط‌گرا وضاحت بیشتر دهد. هدف از این وضاحت، یاری‌رساندن به دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران مبارزه با افراط‌گرایی کشور است.

سیستم آموزشی فعلی مدارس افغانستان، عاری از سوءبرداشت‌های متون دینی نبوده و نمی‌تواند مستقل از فضای اجتماعی مذهبی، محافظه‌کار و سنتی جامعه افغانی عمل کند. چون چنین فضای محافظه‌کارانه‌ای نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری افکار و ایدئولوژی‌های مدرسین و طلاب مدارس بازی می‌کند. با این حال، جمع‌بندی نهایی این مطالعه برعکس بعضی از تحقیقات قبلی انجام‌شده در این زمینه، تأییدکننده این نظر است که مدارس دینی غیررسمی تحت مطالعه این تحقیق، نقش سازمان‌یافته و هدف‌مندی در ترویج ایدئولوژی‌های افراطی ندارند.

با در نظر داشت این واقعیت که نظام اجتماعی افغانستان از نظر مذهبی، محافظه‌کار و نهادهای سیاسی این کشور، ضعیف می‌باشند، بنا بر نتایج و یافته‌های این مطالعه، میزان تحمل مذهبی، عدم حمایت از خشونت، و حمایت از حقوق زنان عموماً امیدوارکننده به نظر می‌رسد. چنانکه در جریان مصاحبه‌ها تعدادی از پاسخگویان نیز مطرح کرده‌اند، نتیجه این تحقیق می‌تواند به نحوی با فضای عمومی ولایت‌های مطالعه‌شده هم‌خوانی داشته باشد.

برعلاوه، اکثریت پاسخ‌دهندگان با مقاومت گروه‌های افراطی در برابر دولت افغانستان موافق نبوده و اشاره می‌کنند گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان که استراتژی‌های جنگ‌طلبانه و خشونت‌آمیز را علیه دولت افغانستان به کار می‌برند، از اسلام واقعی نمایندگی نمی‌کنند و با قرائت آنها از اسلام منافات دارد.

در نهایت اینکه، استادان و شاگردان مدارس غیررسمی از تلاش‌ها برای ایجاد یک افغانستان صلح‌آمیز و باثبات حمایت کرده و حساسیت منفی قابل توجهی نسبت به جامعه غیرمسلمان نشان نمی‌دهند. چنین ادعایی را می‌شود بر اساس تعداد زیاد جواب‌های موافق پاسخگویان با ایجاد توافق صلح با غیرمسلمانان، مطرح کرد.

با وجود یافته‌های متعدد این تحقیق که تصویر امیدوارکننده‌ای را ارائه می‌دهد، ولی اکثر پاسخ‌ها راجع به برپایی یک دولت اسلامی بر این اساس استوار است که مسلمانان مسئولیت دارند در برپایی چنین حکومتی تلاش کرده و در صورت نیاز، نهادهای قضایی کشور را به چنین امری ملزم کنند. ولی از طرف دیگر، اکثر پاسخگویان حملات انتحاری و فعالیت‌های خشونت‌آمیز را مردود دانسته و علاقه‌مندی‌شان را

برای ارتباط رسمی با دولت اعلام کردند. این نگرش مثبت نسبت به دولت، می‌تواند فرصت‌های خوبی برای حکومت افغانستان در جهت ساختن یک مکانیزم نظارتی مؤثر و فراهم‌سازی منابع شفاف تمویل، ایجاد کند. این مکانیزم نظارتی مؤثر می‌تواند مانع این شود که نهادهای دینی کشور بازیچه گروه‌ها و جریان‌های رادیکال نشوند.

در نتیجه، بعضی از توصیه‌هایی که بر اساس یافته‌های این گزارش عیار شده، می‌تواند برای بهبودی و کاهش آسیب‌پذیری مدارس در مقابل جریان افراط‌گرایی کمک کند. اول اینکه، وزارت معارف و وزارت حج و اوقاف کشور می‌توانند با راه‌اندازی مدارس جامع دینی که افرادی از پیروان فرقه‌های متعدد بتوانند در آن تحصیل کنند، فرهنگ تحمل و بردباری دینی را در کشور ترویج کند. دوم اینکه دولت افغانستان با حمایت مالی مدارس و تهیه و تنظیم نصاب تعلیمی‌شان، می‌تواند این نهادها را به ترویج و تدریس قرائت‌های میانه‌رو از قرآن، حدیث و بقیه متون دینی ترغیب کند. و در اخیر اینکه، دولت افغانستان باید برای تحقق اهداف خود، یک سیستم دیدبانی منظم را برای کنترل کم و کیف مدارس ایجاد کند.

این مطالعه یک بخش از سلسله‌گفتمان‌های حساس و دوام‌دار در مورد توجه دینی جریان‌های افراطی و فعالیت‌های نظامی غیرقانونی در افغانستان است. به طور کلی در این مطالعه، معلوماتی راجع به میزان موجودیت ایدئولوژی‌های رادیکال در میان اساتید و طلاب مدارس دینی غیررسمی کشور ارائه شده تا از این اطلاعات در بحث‌ها و برنامه‌های مؤثر جهت مبارزه با جریان‌های افراطی استفاده شود. محدودیت‌هایی که در این تحقیق از آن با عنوان چالش‌های مطالعه روند افراط‌گرایی یاد شد، ما را به این نتیجه می‌رساند که فهم دقیق و کسب اطلاعات جامع درباره این مسأله، نیاز به تحقیقات بیشتر دارد تا بتوان از آنها در برنامه‌ریزی‌های امنیتی مؤثر جهت مبارزه با این چالش، استفاده کرد.



- Afghan Woman Farkhunda Lynched in Kabul for Speaking Out, BBC, March 23, 2015, <http://www.bbc.com/news/world-asia-32014077>
- Al-Ghazali, Muhammad, How Do We Deal With Quran, Egypt Print, Cairo, 2005
- Al-Samadi, Khalid and Halaly, Abdur Rahman, Education and Religious Crisis in the Muslim World, Darul Fikr Al Misr, Beirut, 2007
- Awais, Abdul Halim, Dar Astah Lisquwat Salaseen Dawlat-e-Islamiyah, Al-Wafa Publications, 2010
- Baiza, Yahia, the Progress and Degradation of Madrassa Education: The Case of Afghanistan, the RIDEP Institute, Indonesia
- Baqi, Misbahullah Abdul, 'Madrassas in Afghanistan: Evolution and its Future', Policy Perspectives, Vol. 5, No. 2. Islamabad: Institute of Policy Studies, 2008
- Baqi, Misbahullah Abdul, Religious Schools in Pakistan, Maktaba Madbuli, Cairo, 2010
- Borchgrevink, Kaja, 'Transnational Links of Afghanistan Madrassas: Implication for the Reform of Religious Education', Prospect Quarterly Journal, Volume 43, Number 1, PRIO, Oslo, 2013
- Borchgrevink, Kaja, Beyond Borders: Diversity and Transnational Links in Afghan Religious Education, PRIO, Oslo, 2010
- Byman, Daniel L., Comparing Al Qaeda and ISIS: Different Goals, Different Targets, Brookings, April 29, 2015, <http://www.brookings.edu/research/testimony/2015/04/29-terrorism-in-africa-byman>
- Ghamidi, Javed Ahmed and Ahmad, Israr, Discussion on the Procedure of Establishing an Islamic State, [https://www.youtube.com/watch?v=Wlf3\\_1tHzKs](https://www.youtube.com/watch?v=Wlf3_1tHzKs), Accessed on June 15, 2015
- Gilani, Asad, Al Imam Al-Maududi, Hayatah, Dawat-e-Jihad, Islamic Publications, Lahore, 1986
- Herawi, Abdullah Khamoosh, Al-Madaris al- Diniya al- Arabiya al-Hokomia Fi Afghanistan, The Asian, March 25, 2013, <http://ar.theasian.asia/archives/8689>
- Howaidi, Fahmi, Taliban and Jundullah in Wrong War, Dar-Al-Sharuq, Cairo, 2001
- Kamgar, Jamil-ur-Rahman, History of Education in Afghanistan: From 1747 to 1992, Maiwand Kabul, 1997
- Karlsson, Pia and Mansoor, Amir, Educational Strategies among Muslims in the Context of Globalization, Brill, 2004
- Kathir, Ibn, Albidayah Wa Alnihayah, Volume 15, Darul Hadith, Cairo
- Latifi, Ali M., Afghanistan's Ancient Sufi Order Shocked by Deadly Attack, Los Angeles Times, March 08, 2015, <http://www.latimes.com/world/afghanistan-pakistan/la-fg-afghanistan-sufi-attack-20150308-story.html>

- Lewis, Bernard, the History of the Ismailiyah, Translated by Faraidoon Badrai, Toos Publication, Tehran, 1983
- Maududi, Abul A'la, Muajiz Tareekh Tajdeed Al Deen Wa Ahya'ah, Darul Fikr Al-Hadees, 1967
- Maududi, Abul A'la, Nahn Wa Al Hazarah Al Garbiyah, Darul Fikr Al-Hadees, 1987
- Moheq, Muhammad, Eyes Shall Be Washed, Kabul, 2013
- Motahari, Morteza, Dah Goftar, Sadra Publications, Tehran
- Osman, Mohammad Tariq, Religious Institution Building in Afghanistan: An Exploration, PRIO, Oslo, 2011
- Qutb, Mohammad, the Implementation of Sharia, Maktaba Al Sunnah, Cairo, 1991
- Rafipur, Faramarz, Anatomy of the Society, Intishaar Publications, 2010
- Roy, Oliver, Afghanistan: From Holy War to Civil War, Darwin Press, Princeton - New Jersey, 1995
- Shalabi, Ahmad, the History of Education in Islam, Translated by Mohammad Hossain Saket, Islamic Culture Publishing Office, Tehran, 1984
- Soroush, Abdul Kareem, Tolerance and management, Serat Publications, Tehran
- Tan, Charlen and Contributors, Reforms in Islamic Education: International Perspectives, London, Bloomsbury, 2014
- Zarinkoob, Abdul Hossain, Farar az Madrassa, Amir Kabir Publications, Tehran, 2010

## ضمیمه 1: روش تحقیق گسترش یافته

در این تحقیق از روش‌های هدف‌مند زنجیره‌ای و نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شده است. این گزارش تعدادی از مدارس دینی غیررسمی که اکثریت آنها در بخش‌های روستایی و نسبتاً دورافتاده کشور قرار داشتند، را مطالعه کرده است. تیم تحقیق با یک سلسله نهادهای ملی و محلی که ارتباط و شناخت نزدیکی با مدارس داشتند، قرارداد همکاری بست. به طور نمونه و به منظور مطمئن شدن از کیفیت کار انجام شده، انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک قرارداد همکاری با «کانون علمی و تحقیقات اسلامی افغانستان» که یک نهاد شناخته شده است و ارتباط خوبی با مدارس دینی محلی و غیررسمی در افغانستان دارد، امضا کرد. نمایندگان این نهاد از نزدیک با محققان ساحوی این مطالعه در هر یک از ولایات انتخاب شده، همکاری کرده و بر روند جمع‌آوری معلومات نظارت کردند.

معلومات جمع‌آوری شده، ترکیبی از اطلاعات کمی و کیفی است. تجزیه و تحلیل توصیفی و جدول‌بندی متقاطع به وسیله نرم‌افزارهای آماری SPSS و Excel انجام شد و پس از آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

پژوهش روی مسائل دینی به‌خصوص بحث افراط‌گرایی در افغانستان، یک موضوع بسیار حساس است که مطابق با پیش‌بینی‌ها، بعضی از مشکلات برای این مطالعه ایجاد شد. علاوه بر این، گروه‌های مسلح غیرقانونی، عناصر ضددولتی و زورمندان بانفوذ غیررسمی از دیگر موانع پیش‌برد این تحقیق بودند. مشکلات در بعضی از مناطق مورد مطالعه خیلی ناراحت‌کننده بود. به طور مثال، افراد مسلح ناشناس یکی از پرسشگران ساحوی این مطالعه در ولایت قندوز را تهدید نمودند. همچنین در یک حادثه تأسف‌برانگیز دیگر، یک مشاور تحقیقاتی این پروژه توسط طالبان در ولایت قندوز به قتل رسید. با این حال، بعداً معلوم شد که هدف از قتل این مشاور، صرفاً به دلیل همکاری با این تحقیق نبوده است.

با توجه به دوری راه و نگرانی‌های امنیتی که در بالا ذکر شد، پیدا کردن محققان واجد شرایط ساحوی، هم از لحاظ زمانی و هم از لحاظ مالی پرهزینه بود. فقدان مطالعات جامع قبلی پیرامون افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی افغانستان برای مطالعه مقایسه‌ای از نظر تاریخی یا منطقه‌ای از جمله چالش‌های دیگر این تحقیق بود.

بخش اطلاعات عمومی

1. نام مدرسه: .....
2. وظیفه:  مدرس  طالب العلم (متعلم)
3. چه مدت می‌شود در این مدرسه مصروف تدریس و یا تحصیل هستید؟ .....
4. سن: .....
5. جنسیت: الف: مرد  ب: زن
6. قومیت:  
 پشتون  
 تاجیک  
 هزاره  
 ازبک  
 دیگران (لطفاً نام بگیرید).....
7. پیرو کدام یک از مذاهبی که در ذیل ذکر شده، هستید؟  
 سنی (شاخه حنفی)  
 سنی (شاخه سلفی)  
 شیعه (شاخه جعفری)  
 شیعه (شاخه اسماعیله)  
 دیگران (لطفاً نام بگیرید).....

بخش مربوط به محصلین و اساتید مدارس

دسته نخست: فرقه‌های مذهبی که مصاحبه‌کننده‌ها از آنها پیروی می‌کنند.

1. به نظر شما کدام یک از فرقه‌های ذیل نماینده و منعکس‌کننده رسمی اسلام واقعی است؟  
 حنفی  
 حنفی دیوبندی  
 تصوف  
 نهضت میانه‌روی اسلامی به رهبری شیخ یوسف القرضاوی  
 روشنفکری / نواندیشی دینی  
 جریان ولایت فقیه مربوط به ایران  
 سلفی/وهابیت  
 دیگران (لطفاً توضیح دهید).....

## دسته دوم: میزان تحمل و احترام به غیرمسلمان

2. من برخی از عبارات را دربارهٔ دیگر مذاهب اسلامی می‌خوانم. لطفاً بگویید که تا چه اندازه با این عبارات موافق یا مخالف هستید؟

تبصره	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	به شدت مخالفم	
						1. پیروان دیگر مذاهب اسلامی باید احترام شوند
						2. اکثر مذاهب اسلامی نقش مثبت در تبیین و رشد اسلام دارند
						3. اعضای خانوادهٔ من می‌توانند با پیروان دیگر مذاهب اسلامی ازدواج کنند.
						4. من حاضریم با کسی که پیرو یک مذهب دیگر است، ازدواج کنم.
						5. پیروان دیگر مذاهب اسلامی به اندازهٔ پیروان مذهبی که من از آن پیروی می‌کنم، خوب‌اند.
						6. من نمی‌توانم با پیروان دیگر مذاهب رفتار خوب داشته باشم.

3. در ذیل برخی عبارات دربارهٔ غیرمسلمانان را برای شما می‌خوانم. لطفاً بگویید تا چه اندازه با این عبارات موافق یا مخالف هستید؟

تبصره	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	به شدت مخالفم	
						1. پیروان ادیان دیگر باید مثل مسلمانان احترام شوند.
						2. اکثر ادیان نقش مثبت و مفید برای جامعه دارند.
						3. شخصی که پیرو دین دیگر باشد، نیز می‌تواند در بین مردم ما آمده و در همسایگی ما زندگی کند.

						4. پیروان ادیان دیگر مانند پیروان دین اسلام قابل احترام‌اند.
						5. استفاد از خشونت علیه پیروان ادیان دیگر که در حال جنگ با مسلمان نباشد، مجاز است.
						6. برای مسلمانان جایز است که با غیرمسلمان دست بدهند.
						7. برای مسلمانان جایز است با غیرمسلمان بر سر یک سفره غذا بخورند.
						8. من اجازه نمی‌دهم که غیرمسلمانان در جامعه اسلامی زندگی کنند.

### دسته سوم: نظریات درباره دولت و حکومت‌داری

4. در ذیل برخی از عبارات درباره دولت افغانستان را برای شما می‌خوانم. لطفاً بگویید که تا چه اندازه با این عبارات موافق یا مخالف هستید؟

تبصره	خیلی موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	به شدت مخالفم	
						1. حکومت افغانستان یک نظام مشروع اسلامی است.
						2. با برداشتی که شخصاً از اسلام دارم، برای خودم جایز می‌دانم تا در حکومت افغانستان مشارکت کنم.
						3. خشونت علیه حکومت افغانستان از نظر دینی مجاز است و من مخالفان حکومت را تأیید می‌کنم.
						4. من مشکلی با حضور چهره‌های لیبرال در حکومت ندارم.
						5. اگر حکومت به نصیحت علما گوش ندهد، باید بر ضد آن قیام کرد.
						6. با وجود پلیس و مراجع قضایی، نهی از منکر با دست لازم است.
						7. اگر مراجع مسئول با منکرات مخالفت نکنند، من با زور بازو جلوی منکرات را خواهم گرفت.

5. آیا مسلمانان می‌توانند با غیرمسلمانان مصالحه کنند؟

بلی

خیر

در هر دو صورت لطف نموده دلایل خود را توضیح دهید:

### دسته چهارم: حمایت از خشونت و فعالیت علیه دولت

6. من برخی از عبارات را دربارهٔ حملهٔ انتحاری می‌خوانم. لطفاً بگویید تا چه اندازه با این عبارات موافق هستید؟

توضیح/ تبصره	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	به شدت مخالفم
					1. حملات انتحاری تحت هر شرایطی از نظر اسلام ناجایز است.
					2. حمله انتحاری علیه غیرمسلمانان جواز دارد
					3. حمله انتحاری علیه دولت افغانستان، نیروهای امنیتی افغان و جامعهٔ بین‌المللی جواز دارد.
					4. حمله انتحاری علیه کسانی که با نیروهای امنیتی بین‌المللی کار می‌کنند، جواز دارد.
					5. من شخصی را که عزم عملیات انتحاری دارد، در برابر کفار پناه می‌دهم.

7. نظر شما دربارهٔ مقاومت و ایستادگی طالبان علیه دولت افغانستان چیست؟

(الف) دولت افغانستان یک رژیم کاملاً اسلامی نیست. به همین دلیل مقاومت طالبان علیه آن جواز دارد.

(ب) طالبان دست‌نشاندهٔ کشورهای دیگر می‌باشند.

(ج) طالبان از ارزش‌های حقیقی اسلام آگاهی ندارند.

(د) طالبان از اسلام دفاع می‌کنند.

(ه) نمی‌دانم.

(و) جوابی ندارم.

(ز) نظری دیگر (لطفاً مشخص سازید).....

## دسته پنجم: دیدگاه در مورد جامعه و هنجارهای اجتماعی (حقوق بشر، حقوق زنان و غیره)

8. من برخی عبارات را درباره جنسیت و زنان می‌خوانم. لطفاً خاطرنشان سازید که تا چه اندازه با این عبارات موافق یا مخالف هستید.

توضیح/ تبصره	شدیداً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	شدیداً مخالف
					1. تمام افراد، صرف‌نظر از جنسیت‌شان، باید در برابر قانون از حقوقی یکسان برخوردار باشند.
					2. زنان باید به تحصیلات عالی دسترسی داشته باشند.
					3. تعلیم و تربیه برای زنان نیاز نیست.
					4. مطابق اسلام، زنان اجازه دارند که بیرون از منزل کار کنند.
					5. زنان باید در خانه بمانند و مواظب اطفال باشند و به کارهای خانه رسیدگی کنند.
					6. جواز دارد که زنان به منصب‌های بلند حکومتی انتخاب شوند.
					7. من با زنانی که برای مؤسسات جامعه مدنی یا سازمان‌های خارجی کار می‌کنند، با احترام رفتار می‌کنم.
					8. من با ازدواج با زنانی که در مؤسسات جامعه مدنی یا ادارات دولتی کار می‌کنند، موافق هستم.

9. من برخی عبارات درباره دموکراسی و حقوق بشر را برایتان می‌خوانم. لطفاً بگویید تا چه اندازه با این عبارات موافق یا مخالف هستید.

توضیح/ تبصره	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	به شدت مخالفم
					1. دموکراسی با ارزش‌های اسلامی در تضاد است، و من از پیاده‌شدن آن در جامعه جلوگیری می‌کنم.



						2. ارزشها، هنجارها و اصول پذیرفته شده بین المللی حقوق بشر با ارزشهای اسلامی سازگاری دارند.
						3. دموکراسی - تحت شرایطی - می تواند با اسلام سازگاری داشته باشد.
						4. تابعیت و شهروندی بدون اعتقاد به اسلام معتبر و قابل قبول نیست.
						5. تأسیس خلافت اسلامی وظیفه هر مسلمان است.
						6. من برای برپایی خلافت اسلامی تلاش می کنم

### نصاب تعلیمی

10) آیا نصاب تعلیمی شما توسط وزارت معارف افغانستان تهیه شده است؟

11) اگر نصاب وزارت معارف است، آیا در آن تغییراتی آورده اید یا همان را کاملاً تطبیق می کنید؟

12) آیا فکر می کنید باید نصاب وزارت معارف تعدیل شود؟ اگر بلی، در چه زمینه هایی؟

13) آیا بر اساس نصاب کنونی شما، زمینه اشتغال تان در زمینه های غیر دینی هم مساعد می شود؟

14) اگر در رشته کنونی تان شغلی به دست نیاورید، آیا راه دیگری برای اشتغال تان پیش بینی شده است؟

15) اگر نصاب تعلیمی تان از وزارت معارف نیست، از روی نصاب کدام مدرسه نسخه برداری کرده اید؟

16) آیا موافقید که همه مدارس زیر نظر حکومت و تابع برنامه های وزارت معارف باشند؟

17) آیا تجربه دیگر کشورهای اسلامی در زمینه نظارت حکومت بر مدارس دینی را تایید می کنید؟

منابع تمویلی و حمایت‌های بیرونی (نوت: این بخش فقط از اساتید پرسیده شود).

- 18) این مدرسه چه زمانی تأسیس شده و چه کس/ کسانی هزینه‌های اعمار آن را تأمین کرده اند.
- 19) این مدرسه با مدارس بیرون از کشور چه روابطی دارد؟ اگر دارد، موقعیت مدارس بیرونی را مشخص کنید و نوع روابط را بیان نمایید.
- 20) آیا شما از طریق این مدرسه زمینه دید و بازدید و سیر علمی را برای طلاب فراهم می‌کنید؟ اگر می‌کنید، این سیرهای علمی یا دید و بازدیدها عمدتاً در کجا صورت می‌گیرد؟
- 21) آیا کدام مدرسه‌ای از خارج یا داخل افغانستان مدرسه شما را حمایت می‌کند؟ اگر می‌کند، کدام مدرسه به صورت مشخص؟ اگر نمی‌کند، شما هزینه‌های روزانه مدرسه را از کجا تأمین می‌کنید؟
- 22) آیا شما از طلاب و شاگردان تان مبلغی به عنوان حق التدریس اخذ می‌کنید؟
- 23) شما در درازمدت از چه راهی می‌خواهید که هزینه‌های مدرسه تان تأمین شود؟ آرزو دارید که چه کسی و از چه طریقی هزینه‌های آن را تأمین کند؟
- 24) آیا بین مدرسه شما و کدام حزب سیاسی روابط و وابستگی خاصی برقرار است؟
- 25) آیا بین مدرسه شما و کدام شخصیت ویژه (یک سیاستمدار، تاجر، عالم دینی) روابط و وابستگی خاصی برقرار است؟
- 26) آیا مدرسه شما توسط دولتهای خارجی حمایت میشود؟
- 27) تمویل‌کننده‌های مدرسه چه میزان بر نصاب تعلیمی مدرسه اعمال نفوذ می‌کنند و نسبت به محتوای دروس و چگونگی شمولیت به مدرسه دخالت مینمایند؟
- 28) آیا شما با فارغ التحصیلان مدرسه تان ارتباط دارید و آیا آنان مدرسه تان را حمایت میکنند؟ اگر بلی، از چه طریقی؟
- 29) آیا به نظر شما صدقاتی که از طریق قاچاق مواد مخدر به دست می‌آید، جواز دارد که به مدرسه مصرف شود؟

## پرسش‌های متفرقه باز:

1. با در نظر داشت این امر که ملامان بیشتر نقش رهبر و پیشرو مردمی را در گذشته و تا حدودی در حال حاضر به عهده داشته‌اند، به نظر شما چه تغییراتی در نقش آنها به عنوان رهبر مردمی در جریان سه دههٔ اخیر به وجود آمده است؟

2. فکر کنم با حضور نیروهای خارجی به رهبری امریکا در افغانستان در سال 2001، برای چند سال محدود وضعیت بهبود پیدا نمود، ولی بعد از سال 2005 دوباره وخیم گردید. می‌شود بگویید که در این مدت چه تغییراتی در ولسوالی‌تان به وجود آمده است؟. بخصوص اگر بگویید که نقش صاحبان صلاحیت و قدرت رهبران مردمی مثل ملامان، متنفذین قومی و اربابان منطقهٔ‌تان در این مدت چه تغییراتی را شاهد بوده‌اند؟

3. آیا مردم منطقهٔ شما تحت نظارت و کنترل حکومت قرار دارند؟ و اگر لطف نموده راجع به تغییرات چهارده سال اخیر، یعنی از 2001 تا کنون، کمی بیشتر معلومات دهید.

### ضمیمه 3: معرفی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) یک نهاد مستقل تحقیقاتی است که تمرکز مطالعات و پژوهش‌های آن بر روی موضوعات استراتژیک استوار است. این نهاد در اکتبر سال 2012 با هدف فراهم‌سازی زمینه علمی و آکادمیک برای عرضه موضوعات استراتژیک در مورد افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأسیس شده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد با استفاده از انجام تحقیقات مستقل، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات عملی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و... در جامعه کمک کند.

#### هیئت مدیره مشاورین انستیتوت:

- سفیر کای آیدی (بازنشسته)، نماینده خاص پیشین دبیر کل سازمان ملل
- پروفیسور رادها گمار، رییس عمومی، دهلی پالیسی گروپ DPG
- آقای نادر نادری، رییس بنیاد انتخابات شفاف و عادلانه (FEFA)
- داکتر بارنت روبین، رییس و عضو ارشد مرکز همکاری‌های بین‌المللی، و پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه نیویورک
- داکتر سیما ثمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)
- داکتر رنگین دادفر سپنتا، مشاور پیشین امنیت ملی افغانستان
- پروفیسور شهربانو تاج‌بخش، مشاور ارشد علمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مدیر برنامه امنیت انسانی در ماستری امور عامه انستیتوت مطالعات سیاسی ساینس‌پو در پاریس، و محقق در انستیتوت تحقیق صلح اوسلو (PRIO)
- داکتر دیوید سامویل سدنی، معاون دستیار پیشین سازمان دفاع برای امور امنیتی آسیا و اقیانوسیه
- پروفیسور ونگ جیسی، رییس دانشکده مطالعات بین‌المللی و رییس مرکز بین‌المللی مطالعات استراتژیک دانشگاه پکنگ

## در مورد مؤلفین:

**عبدالاحد محمدی:** محقق ارشد و مسئول دپارتمنت مطالعات صلح انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است. او اخیراً تحقیقی راجع به جریان‌های افراط‌گرایی در میان محصلین دانشگاه‌های افغانستان انجام داده است. عبدالاحد محمدی قبلاً برای نهادهای مختلف ملی و بین‌المللی تحقیقاتی را روی موضوعات گوناگون انجام داده است: ارزیابی سنت به بد دادن دختران و تأثیرات منفی اجتماعی آن در افغانستان، تأثیر خروج تیم بازسازی ولایتی ناروی در ولایت فاریاب؛ ارزیابی تأثیرات روش‌های معمول کمک غذایی به آسیب‌دیدگان بعد از حالات اضطرار در ولایات ننگرهار و لوگر افغانستان، نمونه‌ای از تحقیقات اوست. عبدالاحد در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه جواهر لعل نهرو دهلی ماستری دارد.

**مصعب عمر:** یکی از محققین دپارتمنت صلح انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان می‌باشد. او نقش مهمی در تحقیقات اخیر انستیتوت روی گرایش افراط‌گرایی در میان محصلین دانشگاه‌های افغانستان؛ و پروژه قلب آسیا بر همکاری‌های منطقه‌ای داشته است. مصعب عمر در رشته صلح و منازعه از مرکز نلسون ماندلا، دانشگاه جامعه ملی اسلامی در هندوستان ماستری دارد.

**محمد محق:** لیسانس شرعیات را از دانشگاه هرات و ماستری الهیات را از دانشگاه فردوسی مشهد ایران به دست آورده است. ده سال عضویت هیئت علمی دانشگاه هرات را داشت؛ و در سال‌های 2007 و 2008 در مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه به عنوان کارشناس کشورهای عربی کار کرده است. سال‌های 2009 تا 2011 را در مصر گذرانده و به عنوان مسئول امور فرهنگی و سیاسی سفارت افغانستان در قاهره مشغول وظیفه بوده است. برای تحصیلات تکمیلی در مقطع دکترا در رشته قرآن‌پژوهی، در دانشگاه قاهره ثبت‌نام کرده است. تاکنون بیش از ده اثر به صورت ترجمه و تألیف دارد، که از این میان هشت جلد به زبان‌های فارسی، پشتو و عربی به چاپ رسیده است. در کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی به عنوان سخنران سهم گرفته و در برنامه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی اشتراک کرده است، از جمله تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی، تلویزیون عربی بی‌بی‌سی و تلویزیون طلوع نیوز. همچنین جناب محق در مجلات مختلف به عنوان عضو هیئت تحریر و مدیر مسئول بوده است. ایشان فعلاً مدیریت فصلنامه زمینه را که به موضوعات فلسفی، دینی و اجتماعی می‌پردازد، به عهده دارد. و هم‌اکنون به عنوان مشاور امور فرهنگی و اجتماعی ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری افغانستان مشغول وظیفه است.

## تماس با ما

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان  
قلعه نه برج، کارته پروان، کابل، افغانستان  
پست بکس: ۵۲۱۴ پسته خانه مرکزی

[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

[contact@aiss.af](mailto:contact@aiss.af)

Facebook: [facebook.com/afghaninstituteofstrategicstudies](https://facebook.com/afghaninstituteofstrategicstudies)

Twitter: [@aissofficialpag](https://twitter.com/aissofficialpag)

LinkedIn: [Afghan Institute for Strategic Studies](https://www.linkedin.com/company/afghan-institute-for-strategic-studies)

استفاده تجارتي از تمام نشرات انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان بدون موافقت کتبی این نهاد جداً ممنوع می باشد.

ISBN 978-9936-8043-0-2



تجزیه و تحلیل ارائه شده در این گزارش صرفاً متعلق به تیم تحقیقاتی بوده و بازتاب دهنده  
موقف رسمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و توانمندی نمی باشد.